

مقاله بحران جانشینی خمینی

در حالیکه بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران پیوسته شدت مییابد و بر دامنه ناپساندنیهای که رژیم با آن روبروست افزوده میگردد بحران حکومتی که منتج از بحران اقتصادی و سیاسی و بحران زایش ذاتی حکومت است، هر روز تشدید میگردد. رژیم جمهوری اسلامی که با درپیش گرفتن سیاستهای ارتجاعی در همه زمینههای اجتماعی، شرایط زندگی مسای و مستوی تودههای سیردم ایران را بمنتهی درجه وخیم و اسفبار نموده است بزدامنه و میزان ناراضی شده ای افزوده و بحران سیاسی را مداوما زرناسا بخشیده است. این بحران شکاف در دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی را که خود در ذات خویش با تضادهای و تناقضات لاینحل روبروست عمیق تر کرده است. شکاف در میان حکومت کنندگان و بحرانی که مداوما با آن

مقدمه ۲

ارزیابی از وضعیت کنونی (گروهبندهای سیاسی)

گروهبندهای سیاسی بورژوازی :

بورژوازی که در کیفیت خود این طبقه و روابط کلاسیک گسسته یک بخش از طبقه خنثی و بیولتاریسم بخشهای مختلف آن عاملی بورژوازی بارز میکند، در مدت آوازی کرده است، از ویژه در عدم شکرگیز دوران انقلاب به طریق درون آرم گسسته و غیره. بورژوازی ایران است. این آرم گسستگی سیاسی و عدم شکرگیز است. ساختار عامل که در دوران رکود شکرگیز نمود می باید. به اقتصادی - اجتماعی جامعه سیاسی خود را از طریق علاوه تداوم بحران انقلابی و اثرات تبعی آن بر ساختار اعمال دیکتاتوری عنوان -

مقدمه ۲

لاجه بودجه سال ۶۵، آشنایی تمام نمایی است از ابعاد کنونی بحران اقتصادی و تشدید دامنه آن در سال آتی. هر چند ارقام درآمدها و هزینههای بودجه ۶۵ بسیار خوشبینانه و غیرواقعی تنظیم شده است، اما همین ارقام - ارقامی که در جهت غنیف نشان دادن ابعاد ورشکستگی اقتصادی و بن بست رژیم تنظیم گردیده - ابعاد گسترش یافته حتمی بحران اقتصادی را نشان میدهد.

مقدمه ۲

پودجه ۶۵ :

تشدید بحران اقتصادی

مبارزه طبقه کارگر و

مطالبات مشخص

مقدمه ۵

تلاشهای جنگ طلبانه رژیم، شکست در حل بحران

برقراری مرحله توازن قوا در جنگ ایران و عراق، که نتیجه آن روی آوری رژیم جمهوری اسلامی به عملات پراکنده و فرسایشی در جبهه های جنگ، و حملات گاه بگاه رژیم عراق بر تاسیسات صنعتی ایران و مناطق مرزی بود. رژیم عراق را که شایب تحمل یک جنگ فرسایشی در طول سر جبهه ها

مقدمه ۶



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
بیرامون اخراجهای دسته جمعی کارگران

مقدمه ۸

گرامی باد یاد فدائی شهید
رفیق محسن مدینه شانه چی

مقدمه ۱۶

یادواره شهدای

آذر ماه سازمان

مقدمه ۱۶

ارزیابی یکساله فعالیت فدایی

مقدمه ۲

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

بحران

جانشینی خمینی

روبرو هستند، تنها نتیجه مبارزات رشد تفاهات درپاشین یعنی درمیان کردها و اعتراض روی افزون آنها نیست. این بحران ذاتی حکومت مذهبی جمهوری اسلامی است که با مذهبی کردن روبنای سیاسی - ایدئولوژیک این روبنا را با حقایقات لاینحلی روبرو ساخته است. تطبیق میان دین و دولت، و نیز محدود شدن قدرت سیاسی در دست لشر کوچکی از طبقه حاکمه نه لفظ بورژوازی را به جناحها و اپوزیسیونهای رنگارنگ مخالف تجزیه کرده بلکه تمامیت دستگاه دولتی را که باید در خدمت منافع کل این طبقه لشر داشته باشد، با چنان تفادی روبرو ساخته که اجزاء این ماشین در ستیز مداوم با یکدیگر بزمیمیرند و آشفتگی در میان این دستگاه به امری عادی تبدیل شده است. تناقض در بنیاد این ماشین دولتی با زرتترین دلیل خود را در دوگانگی میان ارگانها و نهاد های متعدد سرکوب و بوروکراتیک می یابد. ارتش و سپاه، پلیس و کمیته ها ادارات دولتی و دفاتر و بنیادهای متعدد مدیریت و انجمن اسلامی، مجلس و شورای نگهبان همگی این دوگانگی را در بنیاد ماشین دولتی موجود بنمایش میگذارند. مبارزه یک از این نهادها و ارگانها خود با تفاهات و تناقضاتی در مرون خود روبرو هستند. این مجموعه تناقضات دستگاه دولتی را با یک شکاف و دوگانگی مداوم و حکومت را با یک بحران لاینحل روبرو ساخته است. تناقضات و تفاهاتی که این رژیم با آن روبروست، و مداوم با بازی و تشدید میشوند، تابدان حد است که حتی قشر محدودی نیز که قدرت سیاسی را در دست گرفته است در درون خود با یک سستی مداوم روبرو هستند. جناح بنسبتی و اختلاف، در درون همین قشر محدود نیز امری ذاتی و متداول شده است. روشن است که در چنین اوضاع و احوالی تمام امور و حتی رتق و فتق امور روزمره بورژوازی در چنبره این تفاهات و اختلافات لاینحل باقی میماند. هر اقدامی از سوی یک جناح با اقدام متقابل جناح دیگر غنشی میگردد و هر تلاشی از سوی یک جناح برای بکسر کردن کار و نایق آمدن بر بحران، بر شدت اختلافات می افزاید

و بحران را ژرف تر میازد. این روندی است که طی چند سال حکومت جمهوری اسلامی بلا نقطه ادامه داشته و امروز نیز با حدت و شدت ادامه دارد. طی دو، سه ماه اخیر بحران دستگاه حکومتی اسلام با تازهای بخود گرفته است. انتخابات ریاست جمهوری در آغاز مرحله جدیدی در تشدید تفاهات و اختلافات درونی هیئت حاکمه و عمق باسی بحران شد. این انتخابات با نتایجی که سرانجام با بکشته منازعات و کشمکشهای درونی هیئت حاکمه به ابقاء خامنه ای در پست ریاست جمهوری آنها منتهی، تناقضات هیئت حاکمه را تشدید کرد. این تفاهات بر سرانتخاب نخست وزیر و کابینه او با حدت و شدت بیشتری خودنمایی کرد. خامنه ای در پی تغییر نخست وزیر و ایجاد یک کابینه بنفع جناح خود بود، اما جناح دیگر نیز به رهبری رئیسانی در پی ابقاء موسوی و تغییر ترکیب کابینه به نفع جناح خود. این کشمکش بمرحله ای رسید که جناح رئیسانی آشکارا به خمینی متوسل گردید و خمینی نیز علنا به جا شداری از موسوی برخاست، اما مدخله شخص خمینی نیز بحران را عمیق تر ساخت. گروهی علنا در مجلس به مخالفت با خمینی و لتواشیه او برخاستند و با آراء مخالف و متعنت به نخست وزیر موسوی چنان وفیضت بحرانی پدید آوردند که خمینی را نیز وحشت زده ساختند. او به تهدید و آزار علبه جناح مخالف متوسل شد تا به هنگام معرفی وزیران کابینه موسوی به مجلس مانع از سقوط نخست وزیر مورد تاییدش گردد. تشکیل کابینه جدید و تهدیدهای خمینی به جناح رئیسانی امکان داد که دست به یک تعرض علیه جناح مخالف بزند. آنها این تعرض به جناح دیگر را در قوه - قفاشیه آغاز نمودند و سپس با مساعد دیدن شرایط در جهت بکسر کردن کار انتخابات جانشین برای خمینی حرکت کردند و منتظری را بعنوان نماینده خود به جانشینی خمینی برگزیدند.

این انتخابات نیز هر چند در ظاهر امر گامی در جهت تقویت جناح رئیسانی بود، اما بزهدت وحدت تفاهات و اختلافات درونی هیئت حاکمه افزود و بحران را با از هم تنگ تشدید نمود. چرا که با توجه به توازن قوا جناحهای رقیب، این امر نمیتوانست با این موازنه را قطعاً بنفع یک جناح برهم بزند. بلکه بالکس در عمل متعصب تشدید بحران شد.

مسئله جانشینی خمینی از مدت ها پیش یکی از مسائل مورد اختلاف جناحهای هیئت حاکمه بود. سران رژیم که وضعیت جمهوری اسلامی را سخت متزلزل می بینند، و در مجموع بحران و غم سیاسی که با آن روبرو هستند، مرگ شخص خمینی را (که هر آن احتمال آن وجود دارد) با توجه به نقش فردی او در مجموعه سیستم حکومتی جمهوری اسلامی، عاملی بر تشدید و فسیخت رژیم و بحرانی تر شدن اوضاع آن میدانند از مدتی پیش بریزه پس از سال ۶۰ پیوسته در تلاش بوده اند تا با انتخاب جانشینی برای خمینی، از تشدید و غامت اوضاع جلوگیری کنند.

از همین روست که با تشکیل مجلس خبرگان کوشیدند تا جانشینی برای خمینی انتخاب کنند. اما از همان آغاز بحث بر سر این مسئله در مجلس خبرگان، این مسئله نیز خود به یکی از نقاط درگیری و تشدید اختلافات جناحهای رقیب درون حاکمیت تبدیل شد. گروهی به مخالفت با انتخاب جانشین برای خمینی قبل از مرگ او، و گروهی دیگر به موافقت برخاستند. گروهی خواستار تشکیل یک شورای رهبری و گروهی دیگر خواستار انتخاب یک گروه جانشینی خمینی شدند. گروهی به جانشیناری از منتظری بجای خمینی و گروهی دیگر آخوند های دیگر را پیشنهاد میکردند. این کشمکش همچنان ادامه یافت تا اینکه تفاهات درونی هیئت حاکمه بر سر انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر تابدان حد شدت یافت که کار به مدخله خمینی و مقابله آشکار جناح دیگر کشید. در چنین شرایطی جناح رئیسانی موقعیت را برای انتخاب کاندیدای خود یعنی منتظری مناسب دید. و مجلس خبرگان رژیم طی یک نشست خود منتظری را به جانشینی خمینی برگزید. اعلان این خبر نیز با احتیاط کامل صورت گرفت، بتحوی که ابتدا یکی از مرتجعین این خبر را بطور غیر رسمی در نماز جمعه اعلام کرد و چند روز بعد رئیسانی رسماً آن خبر را تایید نمود. رئیسانی در محاسبه خود ابتدا به هراس سران حکومت از مرگ خمینی و تشدید و غامت اوضاع رژیم اشاره کردند و گلت خبرگان پس از بحث های مکرر با این نتیجه رسید که: "وظیفه ما هست که آماده باشیم که از راه خلا رهبری هیچ وقت مدلهای به جا نیفتد نخورد." او سپس با اشاره ضمنی به

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



ارزیابی از وضعیت کنونی (گروه‌بندیهای سیاسی)

که بورژوازی را پراکنده ساخته ، همراه با تفاوت در شیوه‌های متفاوت چریک‌های بورژوازی در غایت بخشیدن به تحریک انقلابی و برقراری "نظم و امنیت" به عدم تمرکز گروه‌بندی سیاسی بورژوازی دامن زده است . بخشی از بورژوازی قدرت سیاسی را در دستان خود قبضه کرده است و در همین حال رقابت و تخاصم جناح‌های اطمینان‌برونی این بخش (بر مبنای بحران انقلابی) مانع انجام و تمرکز این بخش از بورژوازی است . بخش‌های دیگر ، بدرجات متفاوت بر طبقه بورژوازی حاکم ، در رقابت بسیار پیچیده و جنگی در مقابل انقلاب مبادرت‌هایی کرده‌اند . چریک‌های سیاسی عمده و قابل شمار این بخش ، یعنی بورژوازی اپوزیسیون مبارز است از : سلطنت طلبان (شورای مشروطیت) و جمهوریخواهان و لیبرال‌هایی که خود شامل دو جریان عمده استعجاله گرایان و شورای مجاهدین است .

جریان سلطنت طلبان که توسط باندهای سلطنت طلب از قبیل امینی و بخش‌بازر نمابندگی می‌شوند ، مدافع منافع بورژوازی بزرگ و انحصاری اند . نقطه ثقل این جریان - تا آنجا که بتوان آنرا نقطه ثقل نامید - اساساً نه در خود این جریان که در مخالفت جمهوری اسلامی نهفته است ، این جریان خود را در پشت سلاکها ، سرکوبها ، بی‌نظمی‌ها و بی‌حقوقی مطلق کسب جمهوری اسلامی بر جا می‌گذارد ، مخفی می‌کنند تا استعمار منظم ، سرکوب منظم و بی‌حقوقی منظم را بر سر بکشند . بحران انقلابی و جنبش‌های برای این جریان همچون زهر گلاهل می‌ماند . تجربه چندین سال گذشته نشان داده که در مواقعی عقب‌نشینی کرده‌ها این جریان خود را تا حدودی مطرح میکند اما همینکه خیزش‌های توده‌ای ، هر چند گسترده و ناپیچیده تر بیرون می‌آیند ، این جریان کاملاً طرد می‌گردد و بکناری زده می‌شود . این مشخصه از یکسو نشانگر شناخت پایداری توده‌ها نسبت به ماهیت سرکوبگرانه و ارتجاعی این جریان است ، که در سال ۵۷ برای سرنگونیش تیار کردند ، و از سوی دیگر بیانگر بخشی از اهداف این جریان در تحقیر سیاست به رکود گذاشتن جنبش توده‌ای به طرق مختلف است . از اینسرو نقطه اتکاء این جریان در کسب قدرت سیاسی مبارز است از ارتش و حمایت دول امپریالیستی ، یعنی از طریق کودتا ، اما

در شرایط کنونی ، همبک از این دو نقطه اتکاء نمیتوانند در جهت کودتا عملکرد داشته باشند . بحران انقلابی ، سیاسی بودن توده‌ها ، وجود ارگانهای نظامی گوناگون بموازات یکدیگر ، عدم انجام و قدرتمندی ارتش و ... اهرم درونی کودتا را از کارایی انداخته است . قدرتهای امپریالیستی نیز هر چند به سلطنت طلبان بعنوان یک آلترناٹیو مطلوب می‌نگرند ، اما تحت شرایط کنونی حمایت قطعی از این آلترناٹیو را مباد نمی‌یابند .

واقعیت این است که موقعیت سلطنت طلبان با گذشت بحران انقلابی و جنبش توده‌ای رابطه‌ای متکسیر دارد . شرایط اجتماعی موجود ، ایجاد بحران انقلابی و هم انداز اوچ گیری جنبش توده‌ای نه فقط هیچ چشم اندازی را برای کسب قدرت سیاسی سلطنت طلبان ترسیم نمیکند ، بلکه همانگونه که تجربه قیام و مبارزه طبقاتی پس از آن نشان داد ، به هنگام اوچ گیری مجدد جنبش توده‌ای اشتقاقی در اشتقاق موجود باندهای سلطنت طلب امری کاملاً محتسب خواهد بود . این اشتقاق نه فقط انعکاس جنبش توده‌ای که همچنین به علت همبستگی باندهای مختلف به انحصاران و قدرتهای امپریالیستی و نتیجتاً بازتاب رقابت درونی قدرتهای امپریالیستی است که بویژه در شرایط بحرانی حادث می‌شود . پس مجموعه شرایط درونی ، از یکسو امکان تحقق کودتای سلطنت طلبان را بسیار ضعیف کرده است و از سوی دیگر حمایت قدرتهای امپریالیستی از این جریان بورژوازی را اجباراً محدود و مشروط ساخته است . در شرایط کنونی ، حمایت محدود و مشروط قدرتهای امپریالیستی از باندهای سلطنت طلب قبل از آنکه کسب قدرت سیاسی توسط سلطنت طلبان را در نظر داشته باشد ، اولاً ، بمثابة اهرمی در جهت اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای حذف "حشو و زوائد" هرچ و مرج طلب آن و عقلائی کردن حرکت‌های آن بشمار می‌رود و ثانیاً بمنظور حفظ ذخیره مطلوب قدرتهای امپریالیستی است . درینک شرایط استثنائی و با تنبیر شرایط موجود یعنی که شرایط داخلی اقدام به کودتا را ضعیف کند و بطوریکه عواقب و غزوات از هم گسیختگی بیشتری که منافع امپریالیستها را مسخا طره انگند ، در پی نداشته باشد ، بهرحال شرایط بحران کنونی ، ذخیره مطلوب قدرتهای امپریالیستی را به دست آورده است . کسب سلطنت طلبان نمیدرشد . شناخت پایداری توده‌ها از ماهیت

سرکوبگرانه و ارتجاعی سلطنت طلبان ، منتقدین قانونی سابق سلطنت و اصلاح طلبان رژیم شاهنشاهی را جمهوریخواه کرده است . اگر انقلاب و بحران انقلابی مستبدین سلطنت‌خواه دیروز را امروز مشروطه طلب کرده است ، مشروطه طلبان دیروز را نیز امروز جمهوریخواه نموده است . سلطنت طلبان جمهوریخواه بسیار جمهوریخواهان سلطنت طلب که مدافع منافع بورژوازی بزرگ و تا حدودی متوسط هستند عمدتاً توسط بخش‌های از جبهه ملی خارج از کشور نمایندگی میشوند . میتوان گفت که جریان جمهوریخواهان ضعیف‌ترین جریان درون گروه‌بندی بورژوازی است ، این جریان فاقد اهرم‌های لازم و مشخص برای کسب قدرت سیاسی است و اساساً بمثابة بدیلی برای رژیم جمهوری اسلامی مطرح نیست .

اگر جریان سلطنت طلب با دور یک دوره رونق اقتصادی بویژه در اذهان بخش‌هایی از بورژوازی و لایه‌های ثروتمندی غده بورژوازی است ، چریک‌های جمهوریخواهان بورژوازی فقط بسا دور اپوزیسیون نسبی زن به سلطنت و رونق زدن به جمهوری اسلامی است . جمهوریخواهان نه از آنچنان سابقه‌ای برخوردارند که چشم امید به اهرم ارتش و دستگاه بوروکراتیک دولت داشته باشند و نه بدلیل موقعیتشان و وزنشان در گروه‌بندی سیاسی بورژوازی حداقتل حمایت قابل توجه قدرتهای امپریالیستی را بخود معطوف دارند . جمهوریخواهان قادر به اعمال آنچنان قدرتی در گروه‌بندی بورژوازی نیستند که بتوانند بمثابة قطب‌های محور این گروه‌بندی بحساب آیند . این جریان ، اگر که تحلیل شود ، فقط در اشتقاق بسیار یک جریان سیاسی دیگر بورژوازی و بمثابة نقش درجه دوم آن جریان میتواننا برای جمهوریخواهان در گروه‌بندی نقش کنونی آنهاست . ستاره جمهوریخواهان سوت و کور است .

برغوغا ترین جریان‌های درون گروه‌بندی بورژوازی را دو جریان لیبرالی تشکیل میدهند . "لیبرال‌هایی که به همان اندازه لیبرال هستند که "شورای مشروطیت" مشروطه خواه و "جمهوریخواهان" جمهوریخواه هم اکنون دو جریان مشخص لیبرالیستی از یکدیگر قابل تمایزند : لیبرالیسمی که خواهان استعجاله همین رژیم است و لیبرالیسمی که خواهان سرنگونی رژیم خمینی است . این دو جریان لیبرالی که

نقشه در صفحه ۹

بودجه ۶۵

تشدید بحران اقتصادی

از تورم را برجامه تعمیل کند.
این سخنان موسوی بیان مریخی از وضعیت و غم اقتصادی رژیم و بن بست آن است. چشم انداز تشدید بحران که هم اکنون آغاز گردیده.
و مردم برداشته اند از زود. میگردد. چنان واضح و روشن قطعی است که موسوی هم بناچار از سیاستهای نودهای کر جهت تخفیف بحران و ایجاد زمینه برای رونق اقتصادی سخن میمان نمی آرد. وی بنا توجه به بحران رکود تورمی موجود که انکارناشدنی است و با توجه به عملکرد مجموعه عواملی که برداشته این بحران رکود - تورمی می افزاید و اینهم قطعی است. مطرح میکند که کدام سیاست را باید به پیش برد؟ سپاسی که وزنه رکود را بر بحران رکود - تورمی بچربا ندوای تورم را؟ اما مساله این است که حکومت حتمی اهرمهای لازم و اولیه جهت انتصاب این یا آن سیاست اقتصادی را در دست ندارد.
ساله اولیه این است که حکومت منابع درآمدی قابل اتکالی ندارد. از هم اکنون کاملاً قابل پیش بینی است که با وجود جبرج و تعدیلهایی که در میسران درآمدهای بودجه ۶۵ بعمل آمده. منابع درآمدی دولت با شکری هزینه ها نیست. موسوی بر این مساله تاکید کرده تا علاجی بحران و بن بست سیاستهای اقتصادی را مطرح نمود.
حکومت برای فائق آمدن بر چنین مغفلی با باید از میزان هزینه ها بشدت بکاهد و با اینکه از طریق استقراض بانکی، کمبود فاضل درآمدها را جبران کند. اولی بمعنای دامن زدن بلاواسطه ولی الفوریه رکود و بیکاری است، و دومی به معنای افزایش بلاواسطه و سریع قیمت ها. در عین حال این هر دو سیاست اقتصادی بمعنای تشدید بحران رکود - تورمی. منتهی یکی با تاکید بیشتر بر رکود و دیگری بر تورم است. از یک سو رژیم طی ۶ - ۷ سال گذشته میزان بدهی اش به بانک مرکزی آنچنان متراکم و انبوه گشته است که هر کس کوچکی از این بانک، گذشته از اشکرات بلاواسطه اش بر سرخ تورم، بر کل گسردش

موسوی به هنگام دفاع از لایحه بودجه، در حقیقت و روشنگری رژیم جمهوری اسلامی را عیان تر ساخت. خراشنامه اقتصادی دولت در هفتماه اول سال جاری چنان فاجحت آور بود و چشم انداز تیره و تار اقتصادی برای سال آینده چنان قطعی است که حتی موسوی نیز ناچار به افسان آن شد. از همین رو، این بار موسوی در دفاعیه اش از لایحه بودجه از رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد و کلاً " چشم انداز اقتصادی تویا ویر حسیرک" سخن نگفت. عملکرد اقتصادی دولت در سال جاری غرابتر از آن بوده که بخوان بنیان داشت و چشم انداز سال آینده. چنان تیره و تار است که موسوی فقط ابراز امیدواری کرد بتواند از و غم تشدن اوضاع اقتصادی جلوگیری کند. وی هر چند که سخنانش را بسیار بیجا ند تا ایت حزب الله نسبت به و غامت اوضاع اقتصادی دولت استگاه نشود، اما بناچار به آن میزان روشن سخن گفت که نمایندگان مجلس و بورژوازی مخالفین را حجاب کند که بر سر تویسب بودجه ۶۵، دولت وی مستقیم و غیر مستقیم بزیر سؤال شود.
موسوی از آنرو بر " ناموفق" بودن دولت در تحقق بودجه ۶۴، طی هفت ماهه اول سال جاری، تاکید کرد و بوجهود " مشکلات" و تنگناهای " گریزنا پذیر" اعتراف کرد که نا علاجی بودجه ۶۵ را که به طرز عمیق منگی کننده بحران اقتصادی است به اشیا تویساند. در حقیقت سخنان موسوی و لایحه بودجه ۶۵، بیان بن بست اقتصادی رژیم و اجتناب نا پذیری تشدید فوق العاده بحران اقتصادی در ماههای آینده و بورژوازی در سال است. وی گفت: " دولت امیدوار است در سال آینده کمتر به استقراض از سیستم بانکی متوسل شود. محلیاً توجه به این نکته را نیز توصیه مینماید که فشار بیشتر جهت تخفیف هزینه ها آثار سوتی بر روی ناخن های اشتغال و تولید بجای خواهد گذاشت و در برخورد به مسئله استقراض چه در سال جاری و چه در بودجه سال آینده سیاستی در نظر داشته که اگر چه در نظام آثار تورمی به جا میگذارد. لیکن گاهی بودجه بورژوا بودجه عمرانی نه تنها آثار رکودی بر جای خواهد گذاشت بلکه به علت عدم استفاده از ظرفیتهای کامل تولیدی هزینه تولید را افزایش خواهد داد و ممکن است از این طریق نوع دیگری

سرمایه اجتماعی اثر گذاشته و حوزة اقتصاد دولتی را رونق می بخشد. بدین طریق (طی یک مدت کوتاه) با تشدید باز هم بیشتر اختلاف نرخ سود در بخش تجاری نسبت به بخش تولیدی بر دامنه رکود افزوده میشود. از سوی دیگر همانگونه که نخست وزیر هم به آن متصرف شده است، امکان تقلیل بیشتر هزینه ها نامیراست. زیرا، اولاً هزینه های جاری عمدتاً صرف نیروهای نظامی در جهت جنگ و سرکوب میشود که تنها حذف این هزینه ها برای رژیم ممکن نیست، بلکه شرایط اجتماعی - همانگونه که در بودجه ۶۵ نیز منعکس گردیده - روز به روز بومیسزان آن می افزاید. ثانیا، فشار بیشتر بر هزینه های جاری غیر جنگی عملاً مکان نا پذیر شده و هر میزان کاهش در این هزینه ها سبب بغضات فاضل در سربست امنیت رژیم و زمینه ای در جهت بلعل در آوردن گسرده تر متراکم تر غم شده ها است. از اینرو هر میزان کاهش در این بخش از هزینه ها، تنها با افزایش هزینه های سرکوب میتواند دولتی غشی شود. و بهر صورت، نتیجه اش برای اقتصاد رژیم، رکود و از هم گسیختگی بیشتر است. کاهش بیشتر بودجه های عمرانی نیز آنچنان بلاواسطه با تشدید رکود در بخش تولید متصل است که در شرایط کنونی هر درجه کاهش در بودجه های عمرانی بنا فریبی نژاینده بر سرخ رکود و بیکاری می افزاید.
بدر حال در هر دو حالت، بحران رکود - تورمی گسرده تر و عمیق تر خواهد شد و راه گریزی از آن نیست. موسوی در دفاعیه اش از لایحه بودجه ۶۵ فقط بیان کم رنگی از این بن بست و وضعیت استقراض اقتصادی را ترسیم میکند. و با توجه به بن بست موجود بر سیاست دولت که بر سمیت شناختن بحران و سیاستی است که هم تورم و هم رکود را توام با یکدیگر به پیش خواهد برد، تاکید میکند.
بر این مبنا، راستای عملکرد بودجه سال ۶۵ عیارست از گرم نگاه داشتن تنور جنگ و تداوم سرکوب و لذا افزایش هزینه های امور نظامی و انتظامی بشا به محور بودجه ۶۵. نتیجه اجتناب نا پذیر عملکرد این بودجه، تشدید بحران اقتصادی و نموده های آن گران، رکود و بیکاری خواهد بود. ارقام بودجه و بافت

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



مبارزه طبقه کارگر و مطالبات مشخص

با گذشت هر روز برداشته و ایاماد بحیران اقتصادی افزوده میگردد. رکود در منابع و موسسات تولیدی شدت میگیرد. افلاس و ورشکستگی مالی رژیم مردم بیشتر میشود. بحران همه عرصه های زندگی اقتصادی را فراگرفته و اثرات مغرب و ویرانگر آن بیش از هر چیز بوزندگی توده های مردم تاثیر گذاشته است. تعطیل کارخانه ها و توقیف طرح های عمرانی و پروژه های صنعتی سوچ اخراج های وسیع و گسترده کارگران را به همراه داشته است. وغات اوضاع کشاورز رونده خانه خرابی دهقانان را تشدید نموده و بر تعداد مهاجرین روستاها که در شهرها در پی یافتن کارند، افزوده واردوی عظیم بیگاران ایاماد نجومی به خود گرفته است. بر شدت استثمار کارگران افزوده شده و دستمزدهای واقعی بعد بسیار نا زنی کاهش یافته است. گرانی سوام آور و هزینه کمتر شدن مسکن، قدرت خرید توده ها را پائین آورده و سطح زندگی آنان را پیوسته تنزل داده است. علامه کلام فقر و فلاکت موموسی جامعه را فراگرفته و آنچنان شرایطی را پدید آورده که دیگر تحمل وضع موجود برای عموم توده های مردم ناممکن شده است. جنگ بزمیزان فشار بر توده های مردم افزوده و رشد اعتراضات و نا رضایتی را در میان آنها دامن زده است بحیران سیاسی که طی چند سال گذشته بر زمینه این بحیران اقتصادی و مجموعه سیاستهای ارتجاعی رژیم ادامه یافته است، رژیم را بیش از پیش منززل ساخته و ارکان حکومت آنرا پیوسته ستیز نموده است. سران رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با رشد اعتراضات توده ای بر شدت سرکوب، اغتصاب و سلب ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی افزوده و یک رژیم ترور و خفقان را بر ایران حاکم نموده اند. این فشارهای سیاسی به عامل دیگری برای رشد نا رضایتی و اعتراض توده ای تبدیل شده است. بازمیان تمام طبقات و اقشاری که در معرض ستمگری و سباده گریهای اقتصادی و سیاسی رژیم قرار گرفته اند، طبقه کارگر ایران بیش از همه این فشار را بردوش خود احساس می کند. کارگرانی که جز نیروی کار خویش چیزی برای فروش ندارند، در فقر مطلق بسر میبرند و در معرض شدیدترین فشارهای سیاسی قرار دارند. از اینرو طبقه کارگر کسبه

اساساً برای برانداختن نظم ستمگرانسه سرمایه داری و ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی مبارزه میکند. در لحظه کنونی نیز بیش از همه طبقات واقفان رجاء مسموعه خواستار انجام بگرفته تحولات انقلابی - دمکراتیک و رفاهی در جامعه می باشد و خود در این مبارزه نیز پیشگام است. مبارزه بی امان طبقه کارگر علیه رژیم و سرمایه داران طی چندساله اخیر حکومت ترور و خفقان بخود با رزترین قلیل پیشگام این طبقه در مبارزه محسوب میگردد. پیوسته نیست که رژیم این همه از طبقه کارگر وحشت دارد، و بران رژیم در سخنرانیهای خود علناً این ترس و وحشت را نشان میدهند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تنها طی چند سال اخیر هزاران کارگر آگاه را به جوغی اعدام سیرده و دهها هزار تن را از کارخانه ها اخراج نموده است. اما طبقه کارگر همچنان بمبارزه خود ادامه داده است. طبقه کارگر ایران علاوه بر اینکه در مبارزه بخاطر تحقق مطالبات عمومی دمکراتیک پیشگام است، دارای مطالبات ویژه و مشخصی خاص خود نیز می باشد، که مبارزه حول تحقق این مطالبات مشخص کارگری نیز جزئی از مبارزه روزمره طبقه کارگر ایران را تشکیل میدهد. مبارزه حول افزایش دستمزدها ساعات کار، تشکیل بیمه مسکن ایمنی و سختی کار، اخراج های فوری و دسته جمعی و غیره. در چند ماه گذشته سال جاری این مطالبات مکرر در اشکال مختلف مبارزه کارگران مطرح شده است. طی این مدت خواست افزایش دستمزدهایی از مهمترین مطالبات کارگران بوده و بلا استثنا کارگران خواستار افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه های زندگی بوده اند. در این رابطه باید مبارزه کارگران برای دریافت حقوقهای عقب مانده حق بهره وری کار و پاداش افزایش تولید را نیز به حساب آورد. هر چند که سرمایه داران سعی کرده اند موضوع افزایش دستمزدها را با پرداخت حق بهره وری کار و پاداش افزایش تولید منتفی سازند، اما از آنجا که گرانی و تورم انبارگرفته همراه با کاهش روز افزون قدرت خرید کارگران، سطح زندگی آنها را بیش از پیش تنزل داده است، این حربه رژیم که ابزاری در عقیدت سرمایه داران - برای تشدید استثمار کارگران است، دیگر

کار ساز نبوده و کارگران همچنان خواهان افزایش سطح دستمزدها می باشند. مبلغی هم که در اوایل سال جاری به دستمزدها کارگران افزوده شد، بقدری ناچیز بوده است که کارگران حتی سخنی هم از آن بمیبمان نمی آورند. رژیم تمام تلاش خود را بکار گرفته است تا مانع افزایش دستمزدها کارگران گردد. این سیاست ارتجاعی رژیم چنان شرایطی را طاققت فرسایش را برای کارگر پدید آورده که هرگز سابقه نداشته است. برای پی بردن به و غامت شرایط زندگی کارگران کافی است به آمارهای که از سوی خود رژیم انتشار یافته اشاره کنیم: آمارهای منتشره از سوی مرکز آمار ایران هزینه زندگی یک خانواده شهری را در سال معادل ۱۱۱۳۱۱۵ ریال یعنی روزانه بیش از ۳۰۰۰ ریال برآورد نموده است و حال آنکه بر اساس "ارزیابی" شورای عالی کار برای تامین زندگی روزانه یک خانواده " چهار نفره" کارگری روزانه ۱۱۰۰ ریال در نظر گرفته شده است با اختلاف این دو رقم معادل حدود ۲۰۰۰ ریال در روز نشان میدهد که طبقه کارگر ایران با چه شرایط اسفباری زندگی میکند. در واقع باید گفت ثابت نگهداشتن سطح دستمزدها، معنای جز تشدید هولناک استثمار، تهاجمی جسمی و روحی کارگران در اثر شدت کار و مرگ از گرسنگی ندارد. سطح بسیار نازل دستمزدها کارگران ایران خود گویا ترین دلیل فشاری حد و حصری است که بر آنها اعمال میشود و خواست افزایش دستمزدها یکی از عرصه های ندادوم بیگار طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران تبدیل شده است.

دومین موضوع را در طرح مطالبات مشخصی کارگران وضعیت و غم بیمه و تامین اجتماعی تشکیل میدهد. این مشکل به مسئله روز اکثریت عظیم کارگران تبدیل شده است. علیرغم اینکه همراه مبلغی بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ تومان مستقیم و غیر مستقیم از دسترنج کارگران تنظیم توسط سازمان تامین بیمه های اجتماعی جهت درمان، باز نشکستگی، سوانح ناشی از کار، از کار افتادگی و غیره به پیمان برده میشود، اما کارگران از هرگونه عذماشی توسط این سازمان محروم اند و ناگزیر بر دنیا توجه به هزینه های سنگین و کمتر شدن دارو و درمان، باز هم از باقیمانده ناچیز دستمزدها خود سواج دریا

نیمه در صفحه ۱۳

۴۰ ساعت کار، دور روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

تلاشهای جنگ طلبانه رژیم، شکست در حل بحران

اگر در اوائل این مرحله، رژیم عراق برای واداشتن رژیم جمهوری اسلامی، لااقل به پذیرش آتش بس، بمباران شهرها و مناطق مسکونی را در پیش گرفته بود، این بار برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی بمباران تاسیسات صدور نفت را که میتوانست با قطع شرای نهایی اقتصادی رژیم تا ثیرات مطلوبتری برای رژیم عراق به بار آید، در پیش گرفت. اگر بمباران شهرهای ایران توسط عراق، مقابله به مثل جمهوری اسلامی، فشار بین المللی جهت قطع بمبارانها و بالقوه رشد و ثبات نسبی توده های مردم عراق را نیز میتوانست به دنبال داشته باشد، اما بمباران تاسیسات نفتی خارک از آنجا که نمیتوانست واکنش متقابل رژیم و تاثیر در صادرات نفت عراق را در پی خود داشته باشد، برای رژیم عراق مطلوبیت بیشتری داشت.

علاوه بر این از نظر دولت عراق عدم توانائی رژیم جمهوری اسلامی در صدور نفت به و خاست بیشتر اوضاع اقتصادی رژیم منجر میشد، رشد اعتراضات توده ها نسبت به ادا مه جنگ را در پی داشت و در محاسبات رژیم عراق، این عوامل میتوانست رژیم جمهوری اسلامی را از مواضع جنگ طلبانه اش به عقب نشینی وادارد.

اما ضمن در نظر داشتن اهداف رژیم عراق از تلاش جدید برای وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش صلح، ببینیم ابعاد تازه جنگ، عملاً چه تا ثیراتی در وضعیت سیاسی و اقتصادی رژیم و موضع گیری کشورهای منطقه و امپریالیستها، نسبت به آن برجای گذاشت.

بمبارانهای تهایبی تاسیسات صدور نفت خارک که عمده ترین مرکز صدور نفت جمهوری اسلامی است، به جنگ ابعاد تازه ای بخشید. اسکله های صدور نفت، یکی پس از دیگری از کار افتاد، رژیم عراق حتی حوزه های نفتی راهماز بمبارانهای خود در میان نگذاشت و کشتیهای که مشغول بازرگاری نفت ایران بودند، در معرض حملات مداوم بمبارانهای عراق قرار گرفتند. این همه باعث شد که علیرغم تکاره های مکرر سران رژیم، صادرات نفت ایران به یکباره تا حد بسیار نا زنی کاهش یابد. رژیم برای جبران کاهش صادرات نفت، به سرعت دست به اقداماتی زد تا بهر شکل ممکن بتواند به صدور نفت ادامه دهد. اجازه تا نگرهای نفتی برای انتقال نفت

از جزیره خارک به سیر، بستن قرار داد با کمپانیهای امپریالیستی برای بازسازی بخشهای منهدم شده خارک و انعقاد یک قرارداد پانصد میلیون دلاری تاسیس خط لوله جدید که رژیم را قادر میساخته با استفاده از اسکله های شناور، مسون از فریات عراق، به صدور نفت ادامه دهد، از جمله این اقدامات بودند.

سران رژیم ضمن استفاده ظلمیندن از سازمانهای بین المللی بمنظور متوقف ساختن و جلوگیری از گسترش حملات رژیم عراق، در موضع گیریهای خود، در عین اینکه بر ادامه جنگ تاکید میکردند، کشورهای حوزه خلیج فارس را بمنزله حامیان عراق مورد تهدید قرار دادند که در صورت ادامه بمبارانها توسط عراق، مقابله به مثل کرده و تنگه هرمز را می بندند. رفسنجانی در یکی از خطبه های نماز جمعه خویش اعلام داشت: "اگر روزی شهرهای نفت مایسته شود، گاری نمیکند که یک قطره نفت از خلیج فارس خارج نشود." و اظهار اظهار داشت: "در صورت ادامه یافتن حملات عراق، جمهوری اسلامی، تنگه هرمز را می بندد." جمهوری اسلامی در جهت عملی کردن تهدیدات خود، به توقف چند کشتی در خلیج فارس نیز متوسل شد و نیروی دریائی رژیم، دست به یک مانور دریائی در خلیج فارس زد.

در پی این موضع گیریها و اقدامات سران جمهوری اسلامی، در مجمع موسس سازمان ملل، از جنگ ایران و عراق بمنزله یکی از بحرانهای منطقه که میتواند ابعاد خطرناکی پیدا کند یاد شد. امپریالیسم آمریکا نا وگان خود را در خلیج فارس تقویت نمود. شورای همکاری خلیج اعلام داشت در مقابل ماجرا جوششهای رژیم جمهوری اسلامی دست به مقابله خواهد زد و وزیر دفاع کویت بمنزله سخنگوی شورای همکاری خلیج عنوان کرد: "شورای همکاری خلیج باید قوای خود را در منطقه تقویت کند. اوضاع خلیج فارس، استقرار یک نیروی رعب انگیز را ضروری میسازد." تهدیدات تو خالی سران رژیم مبنی بر بستن تنگه هرمز در همان روزهای نخست، بی توجهی و مخالفت نا وگان امپریالیسم فرانسه و چند کشتی دیگر، به ایست و بازگسی جمهوری اسلامی، ناتوانی رژیم در عملی ساختن این تهدیدات را نشان داد. سران رژیم نیز خود به پوئالی بودن این

تهدیدات و ناتوانی خود در عملی ساختن آن، واقف بودند. رفسنجانی این ناتوانی رژیم را در یکی از خطبه های نماز جمعه تهران، بدینگونه بیان کرد: "بمباران خارک خیال میکردند ما بحورت انتقام می وکس المملی خودمان را در خلیج فارس، ممکن است محسوس کنیم و وارد یک ماجرائی بشویم که با باش معلوم نیست اما این تهدیدات تو خالی نتیجه ای را که میتوانست در پی داشته باشد، نشده و ما غلبه سیاسی نظامی امپریالیسم در منطقه بود. امپریالیستها، نه تنها بر ما غلبت نمودند، بلکه برای خلیج وضعیت موجود و ممانعت از و خاست بیشتر اوضاع منطقه خلیج فارس تا کتیک جدیدی در مقابل جمهوری اسلامی بکار گرفتند که نمود آن بخوبی در موضع گیریهای بسیاری کشورهای حوزه خلیج نسبت به جمهوری اسلامی، نزدیکی بیشتر برخی از کشورهای امپریالیستی به جمهوری اسلامی که تا این مرحله، عمدتاً فقط از عراق حمایت میکردند و نزدیکی دولتهای ارتجاعی منطقه همچون عربستان سعودی به رژیم جمهوری اسلامی بارز است. این سیاست جدید که بسیار با بطبع جمهوری اسلامی بود، بسیار استقبال سران جمهوری اسلامی بواجه شد. چرا که گسترش مناسبات با این کشورها علاوه بر اینکه آنها را از حائات یکجانبه عراق باز میداشت، در برون آمدن رژیم از انزوای سیاسی در سطح بین المللی نیز موثر بود. سران رژیم که تا دیروز شیخ نشین های حوزه خلیج را وابسته به "برقدهشها" و تحت نفوذ امپریالیسم معرفی میکردند، به تعریف و تمجید از مناسبات خود با "دولتهای مسلمان حوزه خلیج" پرداختند.

رژیم جمهوری اسلامی در کنار گسترش روابط با کشورهای منطقه، یک رشته اقدامات دیپلماتیک دست زدن مناسبات خود را با دیگر کشورهای ارتجاعی و امپریالیستها گسترش بخشید. این گسترش مناسبات برای رژیم دارای اهمیت زیادی بود. از طرفی رژیم را از انزوای بین المللی که پیش از این با آن روبه رو بود، خارج میساخت و از طرف دیگر رژیم را قادر میساخت کاهش صادرات نفت و کمبود درآمد ارزی را که سخت بر روی توانائی رژیم در تامین نیازهای تبلیغاتی خود و کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه تا شبر گذارده بود، جبران کند. در این زمینه ولایتی که برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به شیو بورگ رفته بود، بر منتهای گسترش

از راهی که به دنبال آن هستیم

"رژیمی بکاله فعالیت مدای فدائی" مطلبی است که بمناسبت سالگرد آغاز فعالیت رادویی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در تاریخ دوم آذر ماه از مدای فدائی بخش کوهپایه عیناً در نشریه کار چاپ میشود.

پس از گذشت یکسال از آغاز فعالیت مدای فدائی و به هنگامیکه وارد دومین سال فعالیت رادویی میشویم، فروری است قبل از هر چیز، فعالیت بکاله رادویی را با توجه به عملکرد، تلاش و وظایفی که برعهده داشته‌است، مورد ارزیابی قرار دهیم.

مدای فدائی از همان نخستین روز آغاز فعالیت خود اعلام نمود که بعنوان سنگواره طبقه کارگر ایران و بعنوان تریبون که از منافع طبقه کارگر بطور اخص و از منافع این طبقه از منافع عموم بوده‌های ستمدیده و زجرکشیده ایران دفاع میکند، وظیفه خود را بیداری و آگاهی‌دهی مردم قرار داده است. براین مبنیاً مدای فدائی طی یکسال گذشته بلاقطعی وبدون لطمه‌ای گذشت و انحراف از منافع طبقه کارگر و عموم توده‌های ستمدیده و استثمارشده ایران دفاع نموده و وظایف آگاهی بخش خود را از طریق تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دمکراتیک پیش برده است. از آنجا شکی نقش تبلیغی رادویی بویژه با توجه به دوران انقلابی کنونی، دارای اهمیت ویژه‌ای است، لذا بخش اعظم وقایع ملاحظه برنامه‌های رادویی در این یکسال به تبلیغ سوسیالیستی و دمکراتیک و بخش کمتر آن به ترویج اختماس یافته بود. مدای فدائی از طریق برنامه‌های مختلف این وظایف خود را پیش برده است.

تفسیرهای غیری داخلی گذشته از جنبه خبری آن، اساساً با هدف افشاگریهای همه جانبه که یکی از وسائل مهم برای پرورش فعالیت انقلابی و آگاهی سیاسی طبقه کارگر محسوب میشود، از جوانب مختلف و در زمینه‌های گوناگون به افشای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و بیان کردن هر چه بیشتر سیای واقعی نظم سرمایه داری حاکم بر ایران بخش شده‌اند. تفسیرهای غیبری خارجی نیز، گذشته از اینکه طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش ایران را در جریان

مبارزات و مطالبات طبقه کارگر در عرصه بین‌المللی و مبارزه رهاشی بخشش خلقهای تحت‌سلطه قرار داده و تجارب آنها را در اختیار توده‌های مردم ایران گذاشته‌است، به افشای نظام سرمایه داری و طبقه سرمایه دار در مقیاس بین‌المللی پرداخته و ماهیت ارتجاعی و بوسیده، و تجاوزکارانه و استکمرانه امپریالیسم راهم روزه در میان توده‌های مردم ایران افشا نموده است و همبستگی بین‌المللی کارگران ایران با کارگران سراسر جهان را تقویت کرده است.

تفسیرهای سیاسی که بطور معمول در بخش دوم برنامه‌های مدای فدائی بخش شده است، با ارزیابی مداوم و روزمره اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه، مبارزات توده‌های مردم، تضادها و کشمکش‌های درونی هیئت حاکمه و علامه عمده ترین مسائل سیاسی روز، توده‌های مردم ایران را در جریان تازه ترین رویدادها و تحولات سیاسی قرار داده است.

در یکسال گذشته بطور بلاوقفه و مستمر مطالب متعددی در زمینه تبلیغ و ترویج خواستهای دمکراتیک عمومی، مطالبات شخصی کارگران، دهقانان و مطالبات عمومی رفاهی توده‌های مردم ایران مطابق برنامه سازمان از مدای فدائی بخش شده است. به‌یگانه از این مطالبات دفاع گردیده و توده‌های مردم ایران به مبارزه برای تحقق این مطالبات از طریق سونگوشی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، فراخوانده شده‌اند.

گذشته از تبلیغ سوسیالیستی که بطور مداوم و روزمره صورت گرفته‌است، مدای فدائی طی این یکسال بخشی از برنامه‌های خود را به ترویج سوسیالیستی اختصاص داده است. این ترویج که اساساً در برخورد با مسائل روزمره، زنده و مشخص صورت گرفته است، بطور جداگانه نیز طی یک برنامه تحت عنوان "مؤش سوسیالیسم علمی" بخش شده است تا طبقه کارگر ایران هر چه بیشتر به سوسیالیسم علمی مسلح گردد و به منافع طبقاتی خود آگاهی یابد. مدای فدائی بخش دیگری از برنامه‌های خود را در یکسال گذشته، به بررسی رویدادهای تاریخی ایران و جهان اختصاص داده که هدف آن بیش از هر چیز، جمع بندی تجارب انقلابی و انتقال آن به توده‌های مردم بوده است. مدای فدائی طی یکسال گذشته توانسته‌است یکی از دشواریهای رایج

امروزه بخاطر شرایط سرکوب و اختناق برسر راه بخش وسیع نشریات سازمان وجود دارد، تاحدی که از عمده رادیو برمیآید، حل نماید. اگر در گذشته پیش از آغاز فعالیت مدای فدائی، مثلاً نشریه کار، ارگان سازمان تنها میتوانست بدست تعداد معدودی افراد برسد، امروز از طریق بخش‌های توزیع و مهم ترین مقالات نشریه کار و نشریات منطقه‌ای و نشریات هواداران سازمان در برننامه "مروری بر نشریات سازمان" توده وسیع تری میتوانند از مطالب نشریات و مواضع سازمان آگاهی گردند. برننامه "زمان نشریات" نیز که مداوماً بخش‌شده است تازه ترین مواضع نشریات سازمانها و احزاب بورژوازیستی و خنده بورژوازی را به همراه نظریه مارکسیستی آنها ارائه داده است تا سیای واقعی تمام احزاب و سازمانها طبقات و اقشار مختلف جامعه هر چه بیشتر بر طبقه کارگرافشا گردد و توده‌های مردم ایران نیز دوستان و دشمنان واقعی خود را بهتر بشناسند.

از طریق مجموعه برنامه‌هایی که فوقاً به آن اشاره کردیم مدای فدائی طی یکسال گذشته منتهای تلاش خود را بکار گرفته است تا وظیفه خود را در امر بیداری و آگاهی طبقه کارگر بطور اخص و توده‌های زحمتکش مردم بطور اعم انجام دهد. علاوه بر این مدای فدائی در یکسال گذشته مطالب متعددی در زمینه سازماندهی بویژه خطاب به هواداران سازمان بخش نموده است و درحدی که از عمده بک رادویی برمیآید در زمینه سازماندهی نیز نقش داشته است.

اما علیرغم آنچه مدای فدائی طی یکسال گذشته انجام داده‌ها کمبودها و نقاط ضعفی روبرو بوده‌است که از آن جمله میتوان به کمبود و محدود بودن اخبار مستقیم مبارزات توده‌های مردم اشاره کرد. اخباری که هم‌اکنون مستقیماً به مدای فدائی میرسد اولاً محدودند و ثانیاً اخبار و گزارشاتی که ارسال میشوند چنانچه از زیر تیغ سانسور رژیم بیرون آیند و بدست ما برسد فاصله زمانی آنها بقدری زیاد است که فاقد ارزش خبری هستند و ما نمیتوانیم آنها را بخش کنیم. تردیدی نیست که این نقطه ضعف رادویی میتواند با تلاش بیشتر رفاهی سازمان در بخشهای مختلف تشکیلات و نیز تلاش همه‌جانبه‌ای هوادار و بکار گرفتن تشکیلات جدیدتر بقیه در صفحه ۱۱

زند و باد سوسیالیسم



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیرامون اخراجهای دسته جمعی کارگران و ضرورت مبارزه متحد و متشکل مبارکشان برای مقابله با آن

کارگران مبارز ایران!

سوء اخراجهای دسته جمعی کارگران همواره تعطیل بسیاری از موسسات و کارخانهها و پروژه های دولتی، سراسر ایران را فرا گرفته است. ماهی فیست که هزاران تن از کارگران ایران بصورت گروهی اخراج شدند و در نهایت بفر و شکستگی به سبب سوزن از کارخانهها برحاف نگریختند. اخراج دهها هزار تن دیگر از کارگران که طی چندماه اخیر به ارفش میخونی بکار را از پروژهها حذف کرد، بر فرازین صورت میگردد که در نتیجه سیاستهای ارجحی و جنگ طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی، فقر و غناهای و شکستگی سراسر را به همراه آن گرفته است. میموشها تن بیکار و آواره، در نهایت به شکستی و شکست، با گرسنگی، روز را به عقب میروند، دستبسته به کارخانهها و کارگران آشفته خاطرند که بهر چه کفایت زندگی روزمره آنها را نمیدهد. گزافی و گمبانی کا لکای مورد نیاز مردم، بیستاد میکند تا این همه بدبختی و مصیبتی که کارگران و زحمتگهان ایران با آن روبرو هستند، محمول نظام استبداد و کارخانه و متفکران است بر پایه ماری و سیاستهای رژیم پادشاه این نظام، یعنی رژیم جمهوری اسلامی است.

مردمانیکه بحران اقتصادی، زندگی را بر مردم کارگران ایران حاش کرده است، این رژیم همچنان در جهت منافع و طاقبسیته جاه طلبانه و سوداگران غریبه جنگ ادامه میدهد و بر فقر و بدبختی و فلاکت مردم، بیشتر می افزاید. تعطیل دههائی از موسسات و کارخانهها و اخراجهای دسته جمعی اخیر نیز نتیجه همین سیاستهای ارجحی رژیم است.

رژیم جمهوری اسلامی که با ورشکستگی اقتصادی و مالی و روبروسته و مقام ایگانه را در همه جنگ قرار داده است، مبارزین مبارزین کا لکای برای بحران و جنگ را بدوش کارگران انداخته است و با تعطیل کارخانهها و موسسات و توقف پروژههای دولتی جسده به استیراج دسته جمعی کارگران رده است.

این رسم همواره به تاران است که تا وقتی منافعشان ایجاب میکند، کارگران را استعمار و فارت میکنند، غرق آذخارای میکنند و هر زمان که دیگر نیازی به آنان نداشتند، آنها را به بیرون از کارخانه برحاف میکنند.

اگر کارگران به مبارزه ای متحد و یکپارچه و متشکل علیه این سیاستهای ارجحی برنخیزند، آینده ای هولناک در از استیراج هر اخراج آذخار است. برای جلوگیری از سوء اخراجهای دسته جمعی که هر روز بر تعداد آن افزوده میشود، کارگران ایران باید بیشتر برابر سیاست اخراجهای دسته جمعی بطلای بدی وطنی برنخیزند. و این سیاست رژیم را با شکست روبرو سازند.

در کارخانهها و موسساتی که رژیم دست به اخراج تعدادی از کارگران میزند، همه کارگران باید به هم متحد و متشکل به مبارزه برنخیزند و مانع از اخراج هم زحمتگران خود شوند و بدانند که اگر امروز رژیم، گروهی از کارگران را اخراج میکند، فردا سرخوشیست همه خدای ترا اخراج آذخار است. در کارخانهها و موسساتی که رژیم دست به اخراج همه کارگران و تعطیل کارخانه میزند، کارگران باید با این موسسات و کارخانهها را به اشغال خود در آورند، برای پیشبرد مبارزات سازمان یافته و متشکل خود، گمندهای کارخانهها را شکست دهند، و کارمندان رژیم به خواستهای کارگران تن نداده است دست از اشغال کارخانه بردارند. با گزافین اقدام انقلابی کارگران در مقام کارخانهها و موسساتی که رژیم دست به تعطیل آنها میزند، با چرا گذاشته خود، رژیم فدکاری جمهوری اسلامی بر براسر اراده متحد و یکپارچه کارگران ناچار به عقب نشینی خواهد شد.

- سرتنگون با در رژیم جمهوری اسلامی
- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
- زنده باد سوسیالیسم
- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- آذرماه یکپزاروسید و غمید و جهان

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



ارزیابی از وضعیت ...

اولی حوضت خفته آزادی و معاصری چگونگی
بسی طرف و معنی و درمی آسان خونسخت
غورای مجاهدین نمایندگان میفونه ارتش
برنامه الحادای - سیاسی و آن رژیم سیاسی
که با تجدیدن رژیم کنونی فوره، اطلاق
نظر مارکس و انقلابات فرمی و درجه دوم
فراین دوره از اسیه قابل ملاحظه ای
بفروردیاریست با ما همایز اعلی ایستن در
جریان فرموده بیاد از فریض برنا سینه
الطیافی - سیاسی نظری و چگونگی انتظار
رژیم جمهوری مگرانیک اعلی سبب بروز
نی باشد. در طبقه اختلاف این دو جریان
لیبرالیستی که در دوره های کوتاه مدت
شیر مفرودا بالا بگیرد - و با خدمت یابی
جستجوی فوری بالا هم خواهد گرفت. مربوط
به چگونگی کرب قدرتی سیاسی است. بدون
اینکه در نتیجه و مایه آن قدرت سیاسی
انقلاب آسانی مایه حقان و مفرودا شده باشد.
نظری فراتر از این و احتمال گرایان را
چگونگی آزادی و تکمیل نموده. معاصری چگونگی
بسی طرف و معنی و درمی آسان خونسخت
غورای مجاهدین نمایندگان میفونه ارتش
برنامه الحادای - سیاسی و آن رژیم سیاسی
که با تجدیدن رژیم کنونی فوره، اطلاق
نظر مارکس و انقلابات فرمی و درجه دوم
فراین دوره از اسیه قابل ملاحظه ای
بفروردیاریست با ما همایز اعلی ایستن در
جریان فرموده بیاد از فریض برنا سینه
الطیافی - سیاسی نظری و چگونگی انتظار
رژیم جمهوری مگرانیک اعلی سبب بروز
نی باشد. در طبقه اختلاف این دو جریان
لیبرالیستی که در دوره های کوتاه مدت
شیر مفرودا بالا بگیرد - و با خدمت یابی
جستجوی فوری بالا هم خواهد گرفت. مربوط
به چگونگی کرب قدرتی سیاسی است. بدون
اینکه در نتیجه و مایه آن قدرت سیاسی
انقلاب آسانی مایه حقان و مفرودا شده باشد.

شمیر و فعلی عام در بالا امکان غرضهای
از پایین را مایه قدر میاره. احتمالاً
رژیم از طریق جذب روانه غیر ملاحظاتی
از نقطه نظر گردش سرمایه و طبقه آن
حوضت اهوریسیون احتمال گرایان
مطلوبترین حالتی است که قدرتهای
امپریالیستی و بورژوازی داخلی به آن
چشم امید دوخته اند. در همین حال، درست
همین نقطه قوت جریان لیبرالیستی
احتمالاً گرا، یعنی ضمیرانی با یکبار
بر رژیم کنونی بدون از ککانهای خدمت
اجتماعی، مفرودا شده اند. در زمانیکه بحران انقلابی
مصوب میگردد، در زمانیکه بحران انقلابی
بر جامعه حاکم است و هر آن امکان
غرضهای وسیع خودهای محتمل است سیاست
گام به گام این جریان جهت احتمالاً
مفرودا در سبب "ناخواسته"، غنود
جریان احتمالاً را همراه با مفرودا احتمال
(رژیم) گام ملاحظه میگرداند. در حقیقت
ببروزی این جریان منوط به خدمت نسبی
(وجه گام) رژیم و غیر سیاسی شدن چگونگی
جامعه می باشد. یعنی آن عواملی که با
فرجه به فرایض جامعه، مایه طبقه ای
و فضا سبب قوای طبقاتی مرفق نزدیکی
مفاده شده اند. چنین خودهای از هم اکنون
حساب احتمال گرایان را با رژیم جمهوری
اسلامی یکی کرده است. با اول جمهوری
اسلامی، ستاره احتمال گرایان نیز اصول
خواهد گردد.

نویا ترین وسی ریشه ترین جریان درون
بورژوازی را مجاهدین (و یا شورای مجاهدین)
تشکیل میدهد. اگر چه در ایران دیگر
بورژوازی، حرکتی نسبی با تاریخ رشد
و تکامل بورژوازی کرده غورده است مایه
شخصی شورای مجاهدین مایه یک جریان
بورژوازی به میثاقی بی طرف و رجوی نیاز
میگردد. اگر حرکت از این جریان دیگر جایگاه
شخصی را در گوردهای سیاسی بورژوازی
حکیم گردانده، مجاهدین هنوز جای پای
غوردها محکم شده نمی بایند. ضمیر
و تحولات خدمت این جریان نیز به منظور
سختی نمودن جایگاهی مشخص درون
گروه بندی بورژوازی و بر سمیت شناخته شدن
آن صورت میگردد و همچنین لامل و فعالیت
درون شورای ملی مقاومت و از جمله
اشکالی اولیه و گسستهای بعدی در جهت
خدمت بخشیدن به همین روند بوده است.
قوله شورای ملی مقاومت حاصل واگردد
در جریان از خدمتی ای بود که طی دو
سال وادی سیاسی را بنام زمین به نسبت
رسیده بود یکی جریان بی طرف مایه
بر چهار افعال طبقه لیبرالیسم از درون
حاکمیت بود بود دیگری نمی قدین سینه های ماد

"پوپولیسیم" مایه هدین خلق و تشریح حرکت
سیاسی - ایدئولوژیک آنان به سمت
لیبرالیسم، بمنظور امتدادن بر زمینهای
مادی - شورای ملی مقاومت نتیجه منطقی
و منطقی واگردانیدن دو جریان در شرایطی بود
که سرنگونی فریض رژیم نزد هر دو سری
قطعی شده می شد. جمع لفاثر هر دو
جریان پشتوانه شورای ملی مقاومت مصوب
میشد جریان بی طرف، هر چه لیبرالیسم
شورا را برافراشته مایه خدمت "نفوذ
خودهای" خود و بر حمایت ارتش و یا بخشهای
ارتش متکی بود. و بر امکان جلب حمایت
قدرتهای امپریالیستی و بورژوازیسیال -
دمکراسی حساب می کرد. جریان مجاهدین
نیروی سازمان یافته و سراسری خود و بورژوازی
بر میانشا متکی بود و سابقه تاریخی اش
بالقوه میتواند در خدمت جلب اعتماد
خودهای وسیعی حساب آید. اما در عمل
"نفوذ خودهای" بی طرفکاران نشد.
خودها فازیانی به تندی مبر خود مایه خدمت
که مایه یک پای حکومت بود. غاوج از
حکومت نمیتوانست خودی بر کار باشد. به
علاوه "میثاق" نه توانایی جلب اعتماد
شودها را داشت و نه انگیزهای مایه
می انگیزت که آنان را به مقابله شایسته
حکومت بکشاند. ارتش نیز از جایش تکان
نخورده و نیروی سازمان یافته مجاهدین
زیر ضربات بی در بی حکومتی که توانش
درست ارزیابی نشده بود، از هم گسست.
میلشای منزوی از مردم، توانشیش در
محدوده های فریضی بر رژیم (و نه سرنگونی
آن) محدود گشت. شکست در سرنگونی
فریضی، علت وجودی شورای ملی مقاومت را
منتهی کرده بود.

مجاهدین هر چه لیبرالیسم بی طرف را خود
بر دوش گرفتند. در لاملشهای دیپلماتیک
برای جلب قدرتهای امپریالیستی حتی بیش
از بی طرف از خود اعطای نشان دادند.
بی طرف دیگر برای شورا امتیاز ویژه ای
نشد و شورا هم برای بی طرفی شکست
سیاست سرنگونی فریضی، بند وست مایه
اعضا تشکیل دهنده، شورا در هم فرو ریخت
و شورای ملی مقاومت در هم شکست. هر چه
مجاهدین بر کلیه شئون شورا و با تمسک
کیش لرد برستی که با انقلاب ایدئولوژیک
نویس به اوج رسید تشریح و تشدید شد.
بدنبال خروج بی طرفی و سپس حزب دمکرات
بتدریج سایر نیروها و "شخصیهای منفرد"
همچون جنبه متحد چپ، اتحادیه کمونیستها
حزب کار، بخش از جنبه دمکراتیک ملی
و ... از شورا خارج شدند. و بدین ترتیب

هزینه‌ها شما موبد این است که
وضعیت فلکات بار اقتصادی تشدید خواهد
شد.

در لایحه بودجه ۶۵ در مقابل ۲۹۲ میلیارد
تومان هزینه‌های عمومی پیش‌بینی شده،
کل درآمدهای دولت حدود ۳۲۹ میلیارد
تومان ارزیابی گردیده و لذا رقم کسری
بودجه رسمی به ۶۲ میلیارد تومان بالغ
خواهد گردید. مقایسه‌ای اجمالی بین
ارقام اصلی بودجه مصوب ۶۲ و لایحه
بودجه ۶۵ و تفاوت روبه خزانه وضعیت
اقتصادی رژیم را کاملاً آشکار میکند. بر
اساس لایحه بودجه ۶۵ محالیکه کسری
درآمدهای دولت نسبت به سال جاری به
میزان ۶/۶٪ که بالغ بر ۱۸۵ میلیارد
ریال میشود کاهش خواهد یافت، کسری
هزینه‌ها از یک درصد افزایش برغیردار
خواهد بود. افزایش شکاف مابین درآمدها
و هزینه‌های عمومی دولت سبب میشود که
رقم کسری بودجه نزدیک به ۳۷٪ نسبت به
کسری بودجه مصوب سال جاری افزایش
داشته باشد. این فضای کلی هرچند
بخودی خود، بیانگر وضعیت آشفته
اقتصادی رژیم و روند رو به نزاع آن
است. اما به جنبه‌های هنوز ابعاد آنرا
نشان نمیده: هم از این لحاظ که ارقام
فوق‌گازده است و شکاف بین درآمدها
و هزینه‌های واقعی بمواظبت نوازش میزان
پیش‌بینی شده خواهد بود و هم از این
لحاظ که ارقام غیر فلکی بودجه بویژه
در قسمت هزینه‌ها نمیتواند بدرستی
بیانگر سمت و سوی واقعی سیاستهای
اقتصادی رژیم و لذا بهآمدهای آن باشد.
این دو موضوع را با توجه به ارقام اعلام
شده مختصراً بررسی میکنیم.

همین که برنامهریزان حکومت رقم کسری
بودجه سال ۶۵ را نزدیک به ۳۷٪ نسبت به
لایحه پیشبینی‌های دولت در سال جاری افزایش
میدهند و تذکرات این نکته از سوی موسی به
نمایندگان مجلس که هیچ راهی نیست جز
اینکه بخشی از کسری بودجه از طریق
استقراض بانکی تامین شود، بیانگر بدروش
تورم و نا‌علاجی حکومت دراستفناده از
ابزاری است که خود بارها تورم زایش
را اعلام کرده بود. حتی در سال گذشته
موسوی بهنگام ارائه بودجه ۶۲ به مجلس
متعهد گردیده بود که برای سال ۶۵ کسری
بودجه را به حداقل برساند و هرچه کمتر
از استقراض بانکی استفاده نمایند. در
حالیکه در لایحه بودجه ۶۵ پیش‌بینی
گردیده است که نزدیک به ۲۰۰ میلیارد
ریال از کسری بودجه توسط استقراض
بانکی تامین شود. این رقم خودبیشتر

بودجه ۶۵: تشدید

بیش از کل کسری لایحه بودجه سال
جاری است.

اما باید توجه داشت که این رقم کسری
بودجه، یک رقم واقعی است که بر مبنای
ارزیابی گزاف و زیاده از منابع
درآمدی بست آمده است. در حقیقت با
توجه به تجربه چندین سال گذشته بویژه
عملکرد هفت ماهه اول سال جاری دولت
در تامین درآمدها و مجموعه فرایضی که
اقتصاد رژیم را دربر گرفته است، از هم
اکنون میتوان بطور قطع پیش‌بینی نمود
که رقم کسری بودجه از ۱۰۰۰ میلیارد
ریال به مراتب بیشتر خواهد بود. زیرا
با وجودیکه بر مبنای شرایط وضعیت
اقتصادی از درآمدهای عمومی بمیزان
۶/۶٪ گاسته شده، لیکن خواهد مال بر
عدم تحقق درآمدها حتی بمیزان پیش-
بینی شده است.

در لایحه بودجه، رقم درآمدهای نفتی
بمیان عمده ترین منبع تامین درآمدهای
دولت ۱۶۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده
که نسبت به بودجه مصوب سال جاری
۱۲٪ کاهش نشان میدهد. در عوض مجموع
دریافتهای مالیاتی بالغ بر ۹۶/۸
میلیارد ریال افزایش یافته و به رقم
۱۱۶ میلیارد تومان رسیده است. این
هیچکدام از دورگم دریافتهای نفتی
و مالیاتی بر مبنای واقعیهای اقتصادی
و روند طی شده در سال جاری نیست.
موسوی خود اعتراف میکند که طی هفت
ماه سال جاری هیچکدام از اقلام درآمدهای
دولت در حد پیش‌بینی شده متحقق نگردیده
است. در مورد عمده ترین منبع درآمدی
دولت، موسوی میگوید: "در سال ۶۲
اگر دولت توانست از تاخیر عملیات دشمن
بر منابع نفتی کشور بکاهد، اما تاخیر
قطعی این عملیات و وضعیت نفتی بازار
جهانی موجب عدم تحقق بخشهای شش
درآمدهای دولت شد." بر اساس آمارهای
نخست وزیر ارائه داد فقط ۶۱٪
از صادرات نفت تاکنون متحقق شده است
و در بهترین حالت، اگر تا پایان سال
همین روند حفظ گردد و امتداد یابد، در
میزان صادرات نفت بهدنیاید، مجموع
دریافتهای نفتی به رقمی حدود ۱۲۰۰
میلیارد ریال خواهد رسید. تمامی عواملی
که سبب گردیده است میزان صادرات نفت را
طی ۷ ماهه سال جاری ۳۰٪ از میزان
پیش‌بینی شده در مجموع بودجه کاهش
بکشد، نه تنها در سال آتی پابرجا خواهد

بود که بر درجه تاخیرات کاهش دهند.
آن نیز افزوده خواهد شد. نتایج بررسی
اجلاس اخیر اوپک، یکی از عوامل
کاهش دهنده میزان درآمدهای ارزی ایران
طی سال آتی خواهد بود. چه با افزایش
عرضه صادرات نفت از سوی کشورهای عضو
اوپک و کاهش تحریمی قیمت نفت، وضعیت
مدور نفت ایران با توجه به منطقه جنگی
خلیج فارس در مقابل نرخ نیمه‌کشتیهای
نفت کش و سمپاراها و تا سیمات نفتی جزیره
خارک بمواظبت و غیره خواهد شد. از اینرو
اگر رژیم نتواند حتی موقعیت کنونی
صادرات نفت را حفظ کند، حداقل ۲۰۰
میلیارد ریال از میزان پیش‌بینی شده
درآمدهای نفتی تحقق نخواهد یافت.

افزایش ۹۶/۸ میلیارد ریال به دریافتهای
مالیاتی که مبلغ مالیاتهای عمومی را به
۱۱۶ میلیارد تومان افزایش داده است، به
جنبه بیچ وجه جریان کاهش درآمدهای
نفتی را نمیکند که خود رقمی واقعی است.
عدم تحقق درآمدهای مالیاتی طی چندین
سال گذشته و نیز ۷ ماهه اول سال جاری
بعلاوه تشدید حتمی رکود و کاهش درآمدهای
ارزی که مستقیماً بر میزان دریافتهای
مالیاتی تاخیر منفی میگذارد، از جمله
عواملی هستند که از تحقق کامل میزان
پیش‌بینی شده درآمدهای مالیاتی ممانعت
بمعل میآورند. در همین حال عدم تحقق
درآمدهای مالیاتی مانع از آن نخواهد
بود که حکومت برای تداوم جنگ وگرداندن
دستگاه مریض و طویل نظامی - بوروکراتیک
فنارهای بازم بیشتری را برای اغش
مالیات بحمل نماید و بدین طریق با توجه
به یافت و شیوه اخذ مالیاتها بر تسورم
دام نزنند.

همانگونه که موسوی خود اظهار نمود
شکاف مابین میزان درآمدها و هزینه‌ها به
دو طریق جبران خواهد شد تا با مبالغ جبران
رکود - تورمی در هر دو جنبه اش متوازن به
پیش رود. تا مین اعتبار از سیستم بانکی
بخشی از کسری درآمدها را خواهد پوئاند.
و با بررسی مشخص و فزاینده بر نرخ تورم
خواهد افزود. بخش دیگری از کسری
درآمدهای پیش‌بینی شده نیز از طریق
کاهش هزینه‌ها - بجز هزینه‌های مربوط به
جنگ و سرکوب - جبران خواهد شد. این
"سیاستی" است که طی سال جاری نیز به
علت عدم تحقق درآمدها دنبال شده است.
موسوی در دفاعیه‌اش از لایحه بودجه ۶۵
به عملکرد دولت طی سال جاری اشاره کرد
و گفت: "دولت توانسته است در گذشته
هزینه‌های خود هماهنگی و تناسب لازم میان



سن
وانی
—
اران
سی
ن
ک
ن
که
له
ود
ه
در
ظ
تیر
دورا
سیم
بسی
ری
بای
بن
ست
ظنه
ری
ه
سا
د
سا
به
از
ز
ه
—
از
ه
ش
سر
ت
سی
ش
ی
ی
—
ود
سی
و
سر
ه
ن
ن
ا

درآمدها و هزینه‌ها را تا حدود زیادی برقرار کند. بعضی از این کاهش مربوط به بودجه‌های جاری بوده است که بطور کلی ۷۱٪ بودجه مصوب هزینه شده است. این رقم در مورد هزینه‌های جاری غیرمعمول است. بودجه جنگی افزایش یافته است. معنای این سخنان موسوی و ازفای که ارائه شده مابعداً روشن است. ارقام ارائه شده موبدین ساله است که بودجه نظامی پیش از مصوب هزینه شده است و بابت عبارت دیگر هزینه‌های نظامی افزایش داشته است. بودجه جاری غیر نظامی از قبیل آموزش بهداشت، درمان و... کمتر از مصوب هزینه شده است. و از آنجا که مجموع هزینه‌های جاری نظامی و غیرنظامی مجموعاً ۷۷٪ هزینه شده است لذا بودجه جاری غیر نظامی تماماً بجزایری از ۷۷٪ هزینه گردیده است. بیشترین نثار بر بودجه همرازی وارد گردیده و میزان تحقق این بخش از بودجه بسیار پایین تر از ۷۱٪ از بودجه مصوب همرازی بوده است. مجموعه نتایج این عملکرد مشخص است: افزایش اشغال انگلی در بخش سرکوب نثار بر سطح زندگی مردم و بویژه مستخدمین دولت از طریق کاهش بودجه جاری غیر جنگی و افزایش رکود در بخش صنایع و خدمات تولیدی و به نتیجه افزایش نرخ بیکاری از طریق کاهش بودجه عمرانی.

راستای عملکرد بودجه ۶۵ مبنی عملکرد بودجه ۶۲ خواهد بود. با این تفاوت که با توجه به شدت یاسی بحران اقتصادی - که از هم اکنون آغاز گشته است - بر ایجاد و دامنه هر یک از مدارها و نتایج بحران رکود - توری افزوده خواهد شد. کل هزینه‌های پیش بینی شده برای سال ۶۵، یک درصد افزایش داشته است. اما افزایش ۱۲/۵ درصدی هزینه‌های نظامی (جنگ و سرکوب) که استخوان بندی بودجه را مشخص می‌کند نه تنها تمامی این افزایش را جذب می‌کند که بجز آن مابقی هزینه‌ها هم از جاری و عمرانی تامین خواهد شد. به علاوه، همانگونه که قبلاً متذکر شدیم از آنجا که میزان درآمدهای پیش بینی شده کاذب می‌باشد و از آنجا که کاهش هزینه‌های نظامی برای حکومت مقدور نیست، لذا بخش عمده‌ای از کسری درآمدها از طریق کاهش بازهم بیشتر هزینه‌های جاری غیر نظامی و هزینه‌های همرازی جبران خواهد گردید.

بطور کلی جنگ، هراسان، مقدار مستجابی

بودجه ۶۵ : تشدید

از کل درآمدها و ظرفیت اقتصادی جامعه را بخود مشغول داشته است و هراسان میگذرد بدون اینکه چشم اندازی برای پایان این جنگ ارتجاعی گشوده شود فقط برای امداد آن افزوده گشته است. در حقیقت بنیستی که در مورد بودجه مطرح گردید خود معمول بین بست گذرد و بین بست جنگ است. موسوی ششمه اصلی بودجه را به این تشریح بیان کرد که "در شرایط ویژه کشوری میبایستی جنگ را اصلی ترین محور در تمام فعالیت‌های سیاسی اقتصادی بدانیم بهمن جهت دولت علاوه بر آنکه بر بودجه دفاعی کشور افزوده در صوره‌های مختلف تسهیلات لازم را جهت امر دفاع ایجاد کرده است." آنچه که موسوی بعنوان بودجه دفاعی از آن نام می برد مربوط به امور نظامی بطور کلی است. جنگ نیروی بی شک هزینه‌ها را افزایش داده و کل دستگاه اقتصادی را در خدمت جنگ قرار داده است. لیکن شرایط بحران، عدم تشبیت حکومت سیاسی بودن درآمدها آن آسانی است که بهر حال هزینه‌های امور نظامی، یعنی هزینه‌های سرکوب و افزایش می‌دهد. هر چند که جنگ خود نیز بخشی از همین روند محسوب میگردد.

افزایش هزینه‌های نظامی فقط مربوط به افزایش رسمی آن اقلای که در بودجه به عنوان هزینه‌های جنگی محسوب میشود، نیست. بلکه میزان هزینه‌های امور نظامی به مراتب فراتر از میزان رسمی اعلام شده است. صوره‌های بودجه ۶۵ که تسهیلات لازم را جهت امر دفاع ایجاد کرده است و همچنین صوره‌های که "دستگاه‌های مختلف دولتی را موظف نموده تا به نیازهای جبهه‌ها اولویت تمام داده و تجهیزات و امکاناتی را که در این رابطه مورد احتیاج است در اختیار نهادهای مربوطه قرار دهند" بخوبی ماهیت نظامی و سرکوبگرانه بودجه دولت را نشان میدهد. بدین تشریح، چشم انداز مجموع عملکرد بودجه ۶۵، اعم از نحوه تامین درآمدها، میزان تحقق درآمدها و ترکیب هزینه‌ها فقط بی‌انگیز تشدید بحران اقتصادی و حاکمیت اقتصاد "دلالی - جنگی" برجای می ماند. از هم اکنون تمامی عوامل حدت دهنده بحران رکود - توری فعلیت یافته است: عدم تحقق درآمدها و بویژه درآمدهای نفتی و افزایش بودجه نظامی بر توری می‌نماید و با کاهش امکانات بالقوه‌ای که در خدمت بخش تولید

می توانست قرار بگیرد دامنه رکود و بیکاری را گسترده تر می‌سازد. این روند که با کاهش فوق العاده بودجه عمرانی شدت میگیرد، زمینه‌های سرمایه گذاری و گردش سرمایه (جز در بخش اعتماد دلالی) را با زهم بیشتر مختل میکند و بر رکود و بیکاری دامنه میزند و از این طریق نیز آسایش خود را به کاهش درآمدهای ارزی محدودیت واردات بر نرخ تورم افزوده میگرداند.

اقتصاد رژیم در یک دایره بستنای می چرخد که مرتباً، تورم، رکود و بیکاری را با خود تولید میکند. این معنسی بین بست.

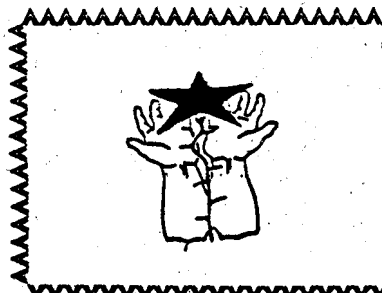
سال ۶۵ گردش در این دایره بستنای سرعت خواهد گرفت. سال ۶۵، سال کمبود گران، رکود و بیکاری فزاینده خواهد بود و حکومت برای کاهش هزینه‌ها و تامین درآمدها، ریاضت سخت تری را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل خواهد نمود. چنین است آن فلکشی که در انتظار بوده‌ها است و در همین حال چنین است آن زمینه‌های که کارگران و زحمتکشان را به رو در روشنی آشکارتر و حادثه بار رژیم جمهوری اسلامی خواهد گشاند.



ارزیابی یکساله فعالیت



بر طرف گردید. یکی دیگر از نقاط ضعف رادیو که در آینده تلاش خواهد شد تا حد ممکن و تا آنجا شیکه به تحریریه رادیو مربوط است از بین برده شود بکنواخت بودن برنامه‌ها است. ما باید در نظر داشته باشیم که این متنوع نمودن به دلیل محدودیت زمانی و محدودیت امکانات فنی ما بسیار دشوار خواهد بود ولی بهر حال ما منتظریم تلاش خود را در این زمینه بکار خواهیم برد. ما این امید که صدای فدائی بتواند در درمیان سال آغاز فعالیت خود وظایف خویش را همه جانبه‌تر از گذشته پیش برد.



مبارزه طبقه کارگر ۵۵۵

را بپردازند. این مسئله آنجا که با دستمزد ناچیز کارگران برخورد می نماید، و از آنجا شیکه بیلت سودپرستی سرمایه داران و عدم تامین بهداشت و معیشتی، هر روز کارگران دچار سانه و عوارض ناشی از کار می شوند، غم و اعتراض کارگران را برانگیختگی است. نکته قابل توجهی که در این مطالبه کارگران به چشم میخورد، همانا روبرو روشی بستیم با رژیم جمهوری است. چون تا مین اجتماعی هیچگونه نماینده ای در محیط کار ندارد، و مدیریت و کارفرما نیز به هیچ عنوان خود را با سخگوی مطالبات کارگران در این مورد نمیدانند. کارگران بدرستی شوک تیز حمله را متوجه رژیم جمهوری اسلامی می نمایند، و دولت را مستجاب اعلی قلمداد میکنند. گذشته از مسئله در میان سازمان تا مین بیمه های اجتماعی در هیچیک از زمینه های دیگر نیز اقدامی برای کارگران انجام نمیدهد. هر چند که شرایط طاقت فرمای کارو شدت کار سبب میگردد که بضرورت کارگران به سخن بازنشستگی برسند یا در همان موارد معدود نیز که کارگرانی به سن بازنشستگی میرسند، تا مین اجتماعی به آنها مختلف از بازنشسته کردن کارگران ظفره میرود و این امر در سایر موارد از جمله از کار افتادگی، نقض عضو وغیره و غیره صادق است. ایمنی و بهداشت محیط کار نیز از آنجا شیکه سلامت جسمانی و در واقع با مرگ و زندگی کارگران مرتبط است یکی دیگر از مطالبات کارگران بوده است. تاکنون حول این مطالبات در واحدهای موسسات مختلف، اعتراضات و اعتراضات متعددی صورت گرفته است. اعتراضات غالباً زمانی بخاطر این مطالبه رخ داده است که سانه ای در محیط کار برای کارگران پیش آمده است، اما اشکال دیگر مبارزه بخاطر ایمنی و بهداشت محیط کار بطور روزمره جریان دارد و اغلب برخورد میان کارگران و سرمایه داران از همین مسئله شدت میگیرد.

در حال حاضر اکثریت کارخانه ها، موسسات و معادن کشور فاقد امکانات ایمنی و بهداشت لازم در محیط کارند. همین امر باعث شده که آمارهای حوادث ناشی از عدم وجود وسایل ایمنی و بهداشتی به شکل غیر قابل شعوری بالا رود. بعنوان نمونه طبق آمارهای پراکنده ای که در مطبوعات خود رژیم منعکس شده است، تنها در سال گذشته بالغ بر ۱۵۰۰۰ کارگر در حین

کار دچار سانه شده اند. بسیاری از آنان جان خود را از دست داده و تعدادی نیز دچار نقص عضو شده اند. افزایش روز افزون کارگران سانه دیده، طبقه کارگر را بر سر آن داشته است که در برابر این وضعیت اسفبار که هر لحظه جان کارگران را در معرض خطرات و سوانح جدی قرار داده است، مبارزه خود را علیه نا ایمنی محیط کار، و وضعیت اسفبار بهداشت، شدت بخشید. اعتراضی به عدم حفاظت ایمنی و بهداشت محیط کار در موارد متعددی اعتراضی به شرایط سختی کار را نیز بدنبال داشته و کارگران طی این اعتراضات در مواردی موفق شده اند که به بعضی از مطالبات خود در این زمینه دست یابند.

مشکل مسکن و هزینه های کمترین آن نیز یکی دیگر از بر سه های به کار کارگران علیه سرمایه داران را تشکیل میدهد. چون هزینه های اجاره مسکن بخش اعظم دستمزد کارگران را می بلعد. طبقه کارگر قادر نیست به توجه به سطح نازل دستمزدها، هزینه های سنگین اجاره مسکن را تا مین نماید برخورد های مادی میان کارگران و سرمایه داران و دولت حامی آنها بر سر مسئله مسکن در جریان است.

در حالیکه طبق مقررات "قانون کار" مبلغ ۲۰۰۰ ریال از دستمزد کارگران، به عنوان حق مسکن برای آنها در نظر گرفته شده است، کارگران تاگزیرند در هر ماه بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ ریال بعنوان هزینه مسکن بپردازند. سیاست ایجاد تعاونیهای مسکن کاری که در ظاهر بمنظور ایجاد مسکن برای کارگران "تشکیل گردید". امروزه با حاکم شدن مقررات و سیستم بانکی بر آنها با شکست مفتضحانه ای روبرو شده اند. بی اعتمادی کارگران مداوماً نسبت به این تعاونیهای بیشتر میشود و در موارد متعدد اعضای این تعاونیهای ضمن استعفا خود نسبت به افتادگی علیه این تعاونیهای زده اند. در واقع امر رژیم طی مدت چند سال اخیر علیرغم جنجالهای تبلیغاتی اش جز توزیع قطعات معدودی زمین و آنهم در بدترین و دور افتاده ترین نقاط شهرها بدون هرگونه امکانات و تسهیلات و دریافت میلی چندین برابر قیمت واقعی، هیچ اقدام دیگری انجام نداده است.

یکی دیگر از مطالباتی که مداوماً منجر به اعتراض و مبارزه کارگران شده است، طرح طبقه بندی مشاغل است. این طرح که در واقع توسط خود بورژوازی در سال ۲۹ با انگیزه جلوگیری از نقل و انتقال کارگران و با تشیبت دستمزدهای مشاغل

مختلف در کلیه مراکز تولیدی پیش کشیده شد، امروزه خود به یکی از معضلات بورژوازی تبدیل شده است. هر چند که قوانین پیچیده این طرح و عدم اطلاع کافی کارگران از کم و کیف آن باعث گردیده است که سرمایه داران به شیوه های مختلف از پرداخت میلی که به کارگران تعلق میگیرد خودداری نمایند، اما از آنجا که کارگران در پیاده شدن و اجرای طرح طبقه بندی برآز این جنبه که با بستن تخصص، مهارت و سابقه کار به آنان میلی تعلق میگیرد، همچنان سرمایه داران را تحت فشار قرار میدهند. رژیم جمهوری کرد چنین و اعتماد نماید که با اجرای طرح بسیاری از مزایای کارگران قطع میشود. در همین رابطه طرحهایی نیز تهیه و مرحله اجرا گذاشت تا مگر کارگران از مبارزه برای تحقق و پیاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل مورد نظر خود دست بردارند، اما مقاومت یکپارچه کارگران در برابر برکسوزایا و با فشاری بر روی اجرای طرح طبقه بندی مشاغل منطبق بر منافع کارگران، رژیم را به عقب نشینی واداشت و مبارزه میسازد کارگران و سرمایه داران جهت پیاده شدن طرح در کارخانه ها همچنان ادامه با است. در موارد متعددی کارگران با توسل به اعتبار خواهان اجرای هر چه سریعتر طرح طبقه بندی مشاغل شده اند.

مبارزه کارگران برای کاهش ساعات کار و مقابله با اضافه کاری اجباری نیز در زمره مطالبات دیگر کارگران در وضعیت کنونی است. سرمایه داران مدام میکوشند که تا سرحد ممکن کارگران را بکار وادارند. ساعات کار را طولانی کنند. اما کارگران مداوماً بخاطر کاهش ساعات کار مبارزه میکنند. نحوه طرح این مطالبه کارگران در واحدهای مختلف تولیدی اشکال مختلف بخود میگیرد. بعنوان مثال در حالیکه کارگران واحدها و موسسات بزرگ تولیدی خواهان کاهش ساعات کار از ۴۴ ساعت در هفته به ۴۰ ساعت در هفته و در روز تعطیل بی دربی هستند، در بسیاری از موسسات کارگران بیش از ۴۸ ساعت کار میکنند و کارفرمایان در تقارنهای خود با کارگران ساعات کار را تا ۹ ساعت افزایش میدهند. طرح مطالبه کاهش ساعات کار از سوی کارگران که با اعتراض نسبت به شدت آهنگ کار و اضافه کاری توأم میباشد، همچنان یکی از خواسته های کارگران در بسیاری از حرکات اعتراضی آنها بوده است. در اعتراض و اعتبار کارگری شمار ۲۰

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



تلاشهای جنگ طلبانه رژیم و ...

مناسبات خارجی جمهوری اسلامی با هیئتهای نمایندگی بیش از ۲۰ کشور جهان که عمدتاً دول امپریالیستی و حکومتهای ارتجاعی وابسته را دربرمیگرفت. ملاقاتهایی انجام داد. با برخی ترابردهای به امضاء رساند و از برخی دیگر دعوت کرد که به ایران سفر کنند.

در مورد سوریه و لیبی نیز که مدعی بود مناسبات جمهوری اسلامی با آنها، بر سر مسائل لبنان به سزای گراشیده بود. از آنجا که این دولتها از ابتدای شروع جنگ از حاکمان جمهوری اسلامی و ارضایح تا مسین ما محتاج نظامی رژیم بودند، اقداماتی در جهت بهبود مناسبات طرفین صورت گرفت. رژیم در مذاکراتی که با سازمان امنیت کشورهای داشت، در جهت بهبود بخشیدن به این مناسبات حرکت کرد و آنجا که به مسائل لبنان و منطقه مربوط میشود، جمهوری اسلامی عملاً تا از حق السهم خود در لبنان چشم پوشید تا حمایت دوباره آنان را از مواضع خود در جنگ بدست آورد و از کمکهای تسلیحاتی نشان بهره جوید.

اما علیرغم این تلاشهای رژیم، بمباران تاسیسات خارک و کاهش صدور نفت، سرعت بر اقتصاد ورشکسته و از هم پاشیده، جمهوری اسلامی تا شیراز خود را بر جای گذاشت. بسا کاهش بیش از پیش درآمدهای ارزی رژیم، روند رکود اقتصادی شدت بیشتری گرفت. بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی که در اثر کمبود مواد اولیه در حالت نیمه تعطیل کار میکردند، به تعطیلی کامل کشیده شدند. کارگران در دسته های چند صد نفری از کارخانه ها اخراج شدند و به طیف میلیونی بیکاران پیوستند. کمبود انرژی انجام مناقصه با کشورهای امپریالیستی را با اشکال مواجه میساخت، باعث شد رژیم نتواند همانند سابق به واردات کالاها و ما محتاج عمومی ادامه دهد و گران و کمپانی کالاها نسبت به گذشته بیشتر شد. عواقب اقتصادی و سیاسی بمباران خارک نتایج های درونی حاکمیت را نیز که پس از انتخاب تریاست جمهوری بر سر انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه خود را آشکار کرده بود، تشدید کرد. و این مجموعه شرایط، رژیم را در وضعیتی قرار داد که تنها راه ناسق آمدن بر بحران حاکم برجای مع، تخفیف بلا فایده سرپوش گذاشتن بر تشنه های درونی حاکمیت و مقابله با گسترش اعتراضات

توده ها و کسب وجهه سیاسی در سطح بین المللی را خنثی و انجام یک حمله گسترده در جبهه ها به ارتش عراق بسپارد. رژیم برای منبأ تبلیغات گسترده ای را حول بسیج نیرو برای اعزام به جبهه ها سازمان داده است. تمامی امکانات مادی و معنوی خود را بکار گرفته تا در این حمله که بقول رفیقشانی: "در یک شرایط سیاسی مناسب انجام خواهد گرفت" با فریب وارد آوردن به ارتش عراق و کسب پیروزیهای هر چند جزئی و موقت، تشنه های لاینحلی را که با آن روبروست برای مدتی تخفیف دهد. سایر مسائل را موقتاً تحت الشعاع قرار دهد و از تب و تاب بحران، قدری بکاهد. رژیم هم اکنون تمام امکانات را جهت عملی کردن این "حمله بزرگ" به ارتش عراق، بکار گرفته است، همراه با تبلیغات گسترده جهت اعزام نیرو به جبهه ها، تشدید و ارباب دوستگیری جوانان متصل شده و سعی دارد نیروی لازم را بسیج کند. روزی نیست که دستگاہ های تبلیغاتی رژیم غیر از اعزام، معده و هزاران نفر به جبهه ها ندهند. اقتصاد جامعه کاملاً منبسط ریزه شده است. هر روز بودجه های جدید و باز هم بیشتری به تامین مخارج هزینه های جنگ اختصاص می یابد و این بودجه های جدید، از غارت و چپاول در آمدنا چیز کارگران و زحمتکشان تا منبأ میشود. رژیم برای تامین سلاحها و وسائل نظامی مورد نیاز خود، با جهای کلانی به کمپانیهای امپریالیستی و دلالان اسلحه میپردازد تا بتواند تعدادی لازم را جهت انجام این "حمله بزرگ" انجام دهد. چرا که در شرایط فعلی، هیچ راه و چاره دیگری پیش پای رژیم قرار ندارد.

اما حدت و شدت تشنه ها در جامعه، رشد اعتراضات تشنه ها و بحران اقتصادی که همگی تا شبر خود را بر تشنه های درونی رژیم نیز بر جای میگذارند و آنرا هر چه بیشتر تشدید میکنند. نشان میدهد که رژیم علیرغم این تلاشها، نتواند توانست به اهداف خود از تبلیغات و تدارک امکانات و سازماندهی در جهت جنگ دست یابد. هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی در هراس از گسترش اعتراضات تشنه ها نسبت به ادامه جنگ و و غامت و فضای اقتصاد و سیاسی، بر شدت سرکوب انزوده و تلاش دارد جو رعب و وحشت را بر جامعه حاکم گرداند. گسترش اعتراضات و مبارزات تشنه ها علیه شرایط موجود، از چنان زمینهای اقتصادی و اجتماعی میسببی برخوردار است که رژیم نیروهای سرکوبگرش را به غیاب آنها کشانده، بر سر هر کوی و ببرز

کار کرده و به شمرین عملیات ضد شورش شهری واداشته، تا قدرت سرکوب خود را به تشنه ها نشان دهد. سران رژیم از آنجا که خطیر گسترش مبارزات تشنه ها را به عین حس میکنند، در هفته موسوم به "هفته بسیج" عمده تاکید خود را بر نقش سرکوبگر این

ارگانها نشاندهند. از سوی دیگر اقدام به جنگ و منبسط اصطلاحاً وسیع رژیم در جبهه ها، اگر در مقاطع قبلی حامی شدن تشنه های درونی حاکمیت، شامل تخفیف بحران و وحدت بخش جناحهای درونی حاکمیت را داشتند، اکنون تحت تا شبر تشنه بحران، خود به حامی بحران را تبدیل شده و نقش تشدید کننده تشنه ها را بازی میکنند. تشنه های درونی حاکمیت، در حال حاضر تا پاشین خرین رده های ارگانهای رژیم و به درون نیروهای سرکوبگر نیز انتقال یافته است. بطوریکه علیرغم تفاوت عینی عینی بر عدم دخالت ارتش و سپاه و بسیج در مسائل سیاسی و اختلافات جناحهای درونی حاکمیت، فرماندهان مزدور بسیج، بسا محور قطبنا های مباحثاً به حمایت از جناح رفیقشانی برخاستند. ادامه جنگ و چگونگی پیشبرد آن در حال حاضر به اختلاف جناحهای درونی حاکمیت دان میزند. یک جناح از حاکمیت به مخالفت با جنگ و روند کنونی آن پرداخته و آنرا شامل برسدن تشنه ها از رژیم و سی شایع حاکمیت معرفی میکنند. جناح دیگر بر ادامه جنگ تا کسب دایره و آنرا تنها راه مقابله با منبسط کنونی رژیم میداند. چند روز پیش نخست وزیر رژیم، نظاره ای را که جناح مخالف قصد داشت برای قدرت نمایی و ابراز مخالفت خود، تحت عنوان "نظاره های علیه بدحجابی" سازمان دهد، دان زدن به مسائل فرعی و منحرف کردن افکار عمومی از مسئله جنگ خواند و سایر سردمداران این جناح اعلام داشتند کسی که بخواد اذهان را از مسئله جنگ منحرف کند، خاشن به جمهوری اسلامی است.

مجموعه این شرایط بیش از پیش این مسئله را به اشبات میرساند که در این مرحله، جنگ ارتجاعی، دیگر نقش خود را به عنوان ابزاری جهت تخفیف بحرانها از دست داده است. این جنگ برای رژیم سرکوب خود بحران را تشدید و حمله ای که رژیم درصدد انجام آن است اگر چه محتمل ترین حالت آن شکست رژیم بنظر میرسد، اما شکست با پیروزی در این حمله، به بحران شکست جمهوری اسلامی درفاق آمدن بر تشنه های درونی و حل بحران است.

زندگی با استقلال طبقاتی کارگران

مبارزه طبقه کارگر و...

ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته همچنان زمینه طرح خود را حفظ کرده است و یکی از مهمترین مطالبات کارگران ایران را تشکیل میدهد. مقابله با اخراج و لغو ماده "۳۳" قانون کار، طی چند ماه گذشته یکی دیگر از عرصه‌های مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی بوده است. مقابله با اخراج نوزده اخیوان یکی از نقطه‌های ستیز میان کارگران و رژیم تبدیل شده است. برخورد کارگران با اخراج از دو زاویه قابل بررسی است یکی مقاومت در برابر اخراجهای دستجمعی که به علت بحران و خیم اقتصادی و ورشکستگی مالی رژیم اسلامی سابقه ای بخود گرفته است و دیگری مقابله و اعتراض با اخراج عناصر آگاه و مدافع منافع طبقه کارگر از کارخانه‌هاست. رژیم پیوسته در تلاش است که پیشروان طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری را از کارخانه‌ها اخراج کند. و کارگران در موارد متعدد با اعتراض دستجمعی با این تلاش رژیم مقابله کرده‌اند. در برابر اخراجهای دستجمعی نیز که اخیراً به سیاحت روزمره رژیم تبدیل شده است، این مقاومت و اعتراض پیوسته در حال شدت گرفتن است. در این

اعتراضات از آنجا که بدفعات عمومی نیروهای نوکوبگر رابده‌نابل داشته است و تعدادی از کارگران نیز دستگیر شده‌اند، خواست آزادی کارگران دستگیر شده نیز در موارد متعدد، از سوی کارگران عنوان شده است و رژیم را مجبور به آزادی کارگران بازداشت شده نموده است. موضوع دیگری که اخیراً در میان مطالبات کارگران از برجستگی ویژه‌ای برخوردار شده است، مسئله ایجاد تشکلهای واقفیتس کارگری است. سرکوب دیوانه‌وار و ممان گیسخته رژیم به آزادیهای سیاسی و سرکوب و انحلال خوراها کارخانه مدتهاست که کارگران را در بی تشکیلی نگاهداشته است. همین امر نیز به بورژوازی امکان داده است که فرسایش جدی برجمنش طبقه کارگر وارد آورده و غالباً مبارزات آنها را سرکوب کند. اما علیرغم تمام وحشیگریهای رژیم، منطق مبارزه طبقاتی کارگران را بسوی اتحاد و تشکیل سوق داده است. کارگران بتجربه دریافته‌اند که اگر ناله تشکل و اتحاد باشند نمیتوانند، خواستها و مطالبات خود را عملی سازند و بر بورژوازی فاش آیتند انشای همه جانبه خوراها را اسلامی رژیم در کارخانه‌ها و تحریم این خوراها از سوی کارگران، در همان حال بسبب شده است که در تعدادی از موارد کارگران درمدا بجای یک تشکل واقعی حرکت کنند حتی در مواردی

کارگران ضمن انحلال شورای نرمایشی رژیم اقدام به تشکیل خورا که در حقیقت بسا توجه به خصوصیات آن باید آنها را کمیته کارخانه نامیده، نموده‌اند. این امر خود بیش از هر چیز بنیانگر رشد کیفی جنبش کارگری ایران و ارتقاء سطح آگاهی و تجربه مبارزاتی کارگران ایران است. مسائلی که فوقاً ذکر شد، در واقع تعدادی از عمده ترین مطالبات مشخص و ویژه کارگری در چند ماه گذشته است. گنجه بیشترین تعداد حرکتهای اعتراضی کارگران از جمله اعتراضات، حول این خواستها صورت گرفته است، با توجه به فشار بیش از حد اقتصادی و سیاسی که از سوی رژیم بر کارگران ایران وارد می آید، و با توجه به شرایط بحرانی جامعه و چشم انداز گسترش دامنه اعتراضات و اعتراضات کارگران در ماههای آتی وظیفه نیروهای سازمان و کلیه کارگران پیشروست که با سازماندهی کارگران حول مطالبات منطقی و سیاسی آنها و هدایت مبارزه اقتصادی و سیاسی این طبقه مداوماً سطح مبارزه طبقه کارگران را ارتقاء بخشند، ضمن شرکت فعال در مبارزات روزمره آنها، بیش از پیش کارگران را به این حقیقت واقف سازند، که حتی تحقق کامل مطالبات مشخص و ویژه کارگران نیز تنها در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک در ایران است. *

ارزیابی از وضعیت...

شورای ملی مقاومت بطور قطعی به شورای مجاهدین بمثابه زانده‌ای از سازمان مجاهدین بدل شد. مجاهدین هر چند در برنامه، ملاحظاتی در پیلهما تیک، معاصه‌ها و... برآیند سرمایه و التزام به سرمایه جهانی تاکید داشته‌اند، لیکن بدلیل سابقه تاریخی (که اکنون به تاریخ پیوسته است) هنوز از اعتقاد و اطمینان کامل بورژوازی و قدرتهای امپریالیستی برخوردار نیستند. این امر یکی از مهمترین نقاط ضعف مجاهدین در گروهندی سیاسی بورژوازی بحساب می آید. وجه همین لحاظ نیست مجاهدین برای جبران ما فاتات و این نقطه ضعف مجبور به اتخاذ شماره، تاکتیکی و ضاسباتی در سطح بین المللی هستند که حتی جریانی همانند جمهوریخواهان خود را ملزم به آن نمی یابند. در عین حال همین نقطه ضعف مجاهدین تنها امتیازی است که

فعلاً به این جریان در گروهندی بورژوازی اعتبار می بخشد. سابقه تاریخی مجاهدین و توهمات احتمالی ناشی از آن - به علاوه مداوم تاکتیک مسلحانه (هر چند نه از طریق زدن سر که از طریق زدن سرانگشتان رژیم) اعتبارنامه مجاهدین در همراهی با انقلاب بوده‌ها و از این طریق تلاش در اعمال سلطه بورژوازی بر انقلاب و به شکست کشاندن آن است. از اینرو حاسنی که بورژوازی و قدرتهای امپریالیستی برای این جریان باز کرده‌اند تنها در زمان موقعیت انقلابی و غیرشبهای گسترده بوده‌ای اعتبار می یابد. مجاهدین برای استقرار در جایگاه مشخصی ملزمند که بر نقطه ضعف خود فاش آیتند. همچنانکه تاکنون با جدیتی درخور ستایش در این مسیر "بتله" های سنگینی را از سر گذرانده‌اند. اما فاش آمدن بر این نقطه ضعف بینمای از دست رفتن تشکیلات نقطه قوت مجاهدین در گروهندی سیاسی بورژوازی است. "ذخیره انقلابی" بورژوازی و قدرتهای امپریالیستی برای

موقعیت انقلابی و جنبشهای وسیع شده‌ای با مداوم دوران انقلابی، با آشناسدن بیشتر شده‌ها به ماهیت مجاهدین، بسا مستحکم تر شدن مجاهدین در مواضع جدید و با تسلیل شدن کامل سابقه‌ای که دیگر مربوط به گذشته است، بی اعتبار میشود. بهر حال اکنون برای بورژوازی و قدرتهای امپریالیستی: اگر سلطنت طلبان ذخیره مطلوب برای یک شرایط استثنائی که غیرض شده‌ها میسر نشاند رژیم جمهوری اسلامی هم نتوانند امنیت سرمایه را تامین کنند، بحساب نیابند؛ اگر استعجال گرایان ذخیره مطلوب جاری و بالفعل برای شرایط کنونی اند؛ اگر جمهوریخواهان ضعیف ترین جریان درون گروهندی سیاسی بورژوازی محسوب میشوند که هنوز از مطلوبیتی مشخص برخوردار نیستند؛ شورای مجاهدین یا مجاهدین ذخیره مطلوب در شرایط غیرضهای وسیع شده‌ای بحساب می آید. *



گرامی باد یاد فدائیان شهید رفیق

محسن مدیرشانه چی (عضو کمیته مرکزی سازمان)

شد. دوغیمان ساواک جهت دست یافتن به اطلاعات و باز نمودن دهان قفل شده محسن او را به زیر شکنجه های وحشیانه عبود گرفتند لیکن محسن این فدائی خلق بسا اعتقاد رایج و خزلزل ناپذیر به آرمان کارگران و با الهام ارسوسالیم بوچی شکنجه را بصورت دوغیمان کوبیدند و سرافراز شکنجه ها را پشت سر گذاشت این بار بیدادگاه های رژیم شاه او را به سه سال حبس محکوم نمود.

در این سالها که ملیرترین و آگاهترین فرزندان کارگران و زحمتکشان در زندانها نیز علیه رژیم پهلوی مبارزه میکردند و براساس زندانها را به دانشگاه انقلاب تبدیل ساخته بودند رفیق محسن نقش ارزشندی در حفظ و گسترش روحیه مقاومت و ستیزه جوئی زندانیان سیاسی ایفا نمود. همه زندانیان سیاسی آن سالها و رفیق محسن را سبیل تلاشهای غسنگی ناپذیر میدانند. روحیه پرشور و انقلابی و تلاشهای آگاهانه او در زندان، جلادان ساواک را آنچنان بیمناک ساخت که پس از پایان

دوره محکومیت سه ساله اش او را به یک دادگاه فرمایشی دیگر سپرده. و به اتهام ارتباط با خارج از زندان و نفیست روحیه مقاومت مجدداً به سه سال حبس دیگر محکوم ساختند.

اما این بار هم زندگین رژیم دهنش شاه دوام نیاورد. محسن همراه با هزاران فدائی دیگر بر اثر مبارزات قشوده ای سالهای ۵۶ و ۵۷ از زندان آزاد گردید.

رفیق محسن بلافاصله پس از رهائی از زندان با شور و شوق وصف ناپذیری همچون مدعا فدائی دیگر در سنگسار افتخار آخرین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و برای سازماندهی میسوف میسوفی قوده های مبارز ایران به تلاش پرداخت و هموش کارگران و زحمتکشان در قیام شکوه مند بهمین شرکت فعال جست. محسن در دوران قیام یکی از فعالین برجسته و غسنگی ناپذیر سازمان بود.

همزمان با بروز ورشد اپوروشونیم و رژیمیم در مرکزیت سازمان، محسن از اولین رفقای بود که با غد کشیهای امولی

و انقلابی خود به طرد و افشای جریانهای که اکثریت عاثن کمیته مرکزی را تشکیل میداد پرداخت. او از طریق بافشاری و تبلیغ روی مواضع انقلابی و افشای بی امان غط خیانت و تسلیم با سرخسوسی و اراده ای استوار پرچم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را برافراشته نگهداشت و گرد سازشکاری را که بر روی آن نشسته بود، زدود.

وقتی اشعاب صورت گرفت و غاثنین اکثریتی از سازمان طرد گشته. رفیق محسن بعنوان غفوهیت اجرائی و سپس عضو کار مرکزی سازمان در بازسازی تشکیلات کوشی غسنگی ناپذیر از خود نشان میداد. در کنگره اول سازمان رفیق محسن بسا آراء چشمگیری به ریاست کنگره اختصاص شد و با توانائی قابل تحسینی ریاست اولین کنگره سازمانی را به پایان برده و مجدداً به غفوهیت کمیته مرکزی سازمان برگزیده شد.

اما چند روز پس از کنگره درخار رفیق ۲۴/ آذر / ۶۰ طی یک شبیر غیبانی بسا مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به شناسات رسید. گلوله های مزدوران سرمایه گرچه سینه محسن را چون هزاران فدائی دیگر شکافت. اما محسن با خون غوبش بر سپرده ساه شب دیکتا توری و اختناق نوشت:

سرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب و سوسالیم.

بحران چانشینی غمینی

اختلافات درون غیرگان بر سر مسئله چانشینی غمینی، مطرح ۵۰ سخن از مرتجعین غیرگان در نشست قبلی مجلس غیرگان اشاره کرد که بطریق آن جناح رفسنجانی با قید این جمله در طرح که "در حال حاضر مردم آیت الله منتظری را به عنوان مرجع رهبر انتخاب کردند بسرای آبنده" بحث حول مسئله گزینشگان لم بکن اعلام میشد. رفسنجانی سبب ادامه میدهند که تراز شد کمیسیون روی این طرح کار کند و افراد دیگر راهم مورد بررسی تراز دهد و نتیجه بحث کمیسیون در اجلاس بعد مطرح شود که اجلاس بعدمون غیراً شد و گزارش کمیسیون هم مطرح شد. بحث کردیم به نتیجه رسیدیم، مردم تشفی دادند. " مجلس غیرگان این انتخاب را شائب میداند"

رفسنجانی در لایحه گفتار خود تفادها

و اختلافات درونی غیرگان و تلاش جناح او را برای بهره برداری از شرایط به نفع انتخاب منتظری بیان میکند.

انتخاب منتظری همانگونه که پیش از این نیز اشاره کردیم، هرچند در ظاهر سر تقویت موضع جناح رفسنجانی در درون هیئت حاکمه بنظر میآید، اما توازن کسروی جناحهای اصلی رفیب در درون حاکمیت بنحوی است که این امر نه تنها منجر به عقب نشینی جناح مخالف نشد بلکه تفادها را تشدید نموده و بجای تسلط یک جناح بر جناح دیگر بحران را تشدید نمود بنحوی که تفادها را و راهبما شبهاش نیز به مخالفت با انتخاب منتظری ذرقم صورت گرفت. انتخاب منتظری، تفادها را درونی دستگاه روحانیت را نیز تشدید نمود و منحربه چنان وضعیتی گردید که منتظری را واداشت، آشکارا عدم تمایل خود را به این انتخاب ابراز دارد و حتی مانع از برگسزاری تفادها جناح رفسنجانی به چانشینی از او گردید. انتخاب منتظری به چانشینی

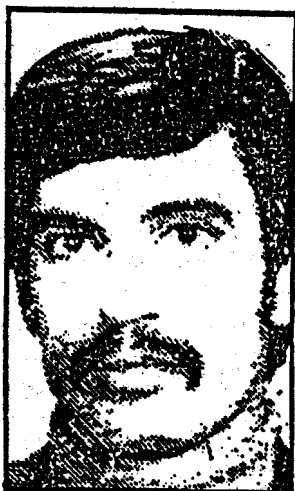
غمینی نه فقط موقعیت جناح دیگر را در درون حاکمیت تضعیف نکرد بلکه بالعکس مخالفین دیگر انتخاب منتظری را نیز به سوی خود جلب نموده است. هرچند که وضعیت اجتماعی و سیاسی رژیم رفیم سر از آن است که آنقدر دوام و تقاء داشته باشد، تا منتظری چانشین غمینی گسرد، و پیش از این تحولات، قطعاً تحولی انقلابی تمامی مرتجعین را جاروب خواهد گسرد و همگی را یکجا به گورستان تاریخ خواهد سپرد. با این وجود نتیجه نوری انتخاب منتظری به چانشینی غمینی تشدید باهم بیشتر اختلافات و تفادها را درونی هیئت حاکمه و عمق باسی بحران حکومتی خواهد بود. بحراشی که رژیم را بسا از پیش بسا بن بست و نا توانی روبرو خواهد ساخت، شکاف در درون هیئت حاکمه را عمیقتر خواهد کرد و امکان فوران غم انقلابی بوده ها را از میان این شکاف بیشتر خواهد نمود.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



گرامی باد یاد فدائی شهید رفیق

محسن مدیرشانه چی (عضو کمیته مرکزی سازمان)



با در رفیق محسن مدیرشانه چی را گرامی
میداریم تا بدانی را انسان راستین و مزم
پولادین را در بیروستن به جریان جاودانه
هستی ارج نهاده باشیم .

اسطوره ها هنگامی شکل میگیرند که
نواوران اشدیشه های سترگ و پویا بخوان
منادمان حرکت تاریخ و در جهت تشریح
مبارزه طبقه دوارن ساز چون انگری درغش
وسوزان با سوختن خویش الکل را میشکالند
و طرحی نو در می ندادند .

در راستای این حرکت و جهش و بسرای
بنیان فردایی نو و عاری از ستم و استثمار
و برای پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم
پیشگانان با مزدوران و حافظین نظم فرحوت
و گندیده به شپردی دوران ساز بر میخیزند
و بسیاری از این گردان بی همتا در نبردها
سهمگین و ناگزیر جان میبازند . رفقای
سازمان ما چه در نبردهای پیشین و چه در
بیکار دوران ساز جاری در راه آرمان
رهائی کارگران و سوسیالیسم حماسه های
عظیمی آفریده اند که نقش پرشکوه آن در
مطامع تاریخ مبارزات مردم ایران چون
ستارگان تابناک همواره میدرخشد .

رفیق محسن مدیرشانه چی یکی از این
پیشگازان بود .

رفیق محسن شانه چی در سال ۱۳۲۷ در
شهران در خانواده ای متولد شد و رشد
یافت که راه مبارزه در آن بصورت یک
سنت الهام بخش ، همه چهار نوزند
خانواده را به غط سرخ و خونین مبارزه در
راه آرمان رهائی کارگران و زحمتکشان
کشانید . و آنان را چنان پروراند و
آموخت که تا واپسین دم حیات به عهد و
پیمان خود به سوسیالیسم و رهائی
ستمدیدگان از بوغ سرمایه وفادار ماندند .

محسن مبارزاتش را از دوران دبیرستان
شروع نمود و در دانشگاه نیز یکی از
فعالین جنبش دانشجویی در سالهای پیش
از ۱۳۵۰ بود

در همان دوره بیکار توسط مزدوران
ساواک دستگیر و به یک سال حبس محکوم
گشت . پس از رهائی از زندان و کسب
تجربه مبارزاتی و ایمان به نهروانقلابی
بمنوان یکی از هواداران فعال سازمان
شامی تلاشهایش را در راستای مبارزه
مطمانه متمرکز نمود .

محسن در سال ۵۲ در ارتباط با سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران مجدداً دستگیر
بگشت .

یادواره شهدای آذر ماه سازمان

در آذرماه نیز همچون ماههای دیگر
سال شاهد جان بازیها و فداکاریهای
اسطوره ای دهها رفیق فدائی هستیم که در
طول سازمان برافتخار چریکهای فدائی
خلق ایران و دزرا رهائی بشریت اوستم
بندگی مزدوری بیکاری عقیم کردند .

رفقای مبارز و دلیر و آگاهی که ایمان به
پیروزی کمونیسم و عشق عمیق به رهائی
کارگران آذربایجان اراده آنان را پولادین
و مزمستان را غلغل ناخیز ساخته که شکست
و خنربازان را به تضرع گرفتند .

رفقای جان باخته ای که خون سرخشان
و آرمان والایشان مشعل مبارزه علیه نظام
پوسیده سرمایه داری و نوبه بی پروزی
سوسیالیسم است .

با در رفیقان ، فدائیان جان باخته
همایون بریززاد
فرهنگی حسن
رحمت طالب شنزاد
اسدالله بشر دوست
پرویز نمیر مسلم
ابوالقاسم همدانیان
علیرضا بهاری پورمژکوشی
علی عبدالطی زاده
محمدرفا شنزاد
غلامرفا کاروردیان جابجی
حمیدرفا سعادتسی
مختار قلعه و بیسی
احمد اقدسی
بهروز بهروزنیسا
حسین تدریسی
فرهود رواشسی
زهرا آقاشی لیلیکی
علیرضا شهاب رفوی
شاهرخ فیضال
مینا رفیسی
محمد علی بارباو
مسعود ماریسی
جلال دمفکان
رحیم تشکری
حسن زکی زاده

و محسن مدیرشانه چی گرامی باد .

**برای تماس یا
پاشائی زیر کاتبه گشید:**

صادق فدائی

A.C.A.
B.P. 43
94120 Fontenay-sous-Bois
France .

رادیسوا سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران همه روزه از ساعت
۸/۳۰ الي ۹/۱۵ شب ، روی موج
کوتاه ، بردیفهای ۶۵ و ۷۵ متر
تکرار برنما مه ۱۲/۳۰ بعد از ظهر
روز بعد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق